



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

محل: کلبه قوانین معربه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۱۴۸

شنبه ۱۱ آبر ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۱۳

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۳

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه اول

تیر ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنمایندگی آقای زهری از طهران و تصویب آن
- ۳- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنمایندگی آقای دکتر طاهری از یزد و خانه مذاکره آن
- ۴- قرائت گزارش شعبه راجع بنمایندگی آقای ریگی از بلوچستان
- ۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت ونیم قبل از ظهر بریاست آقای اورنگ تشکیل گردید

مشغول خدمت هستند چرازو غائبین محسوب می شوند

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین بعرض میرسد

(شرح ذیل خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان: امام جمعه تهران

ملك مدنی - دكتر كیان - دكتر معظنی

حسینعلی راشد - دكتر شایگان - مهندس

حسینی - دكتر سنجابی - جلالی موسوی

غائبین بی اجازه - آقایان: حاج سید

ابوالقاسم کاشانی - دكتر حسین فاطمی -

شمس قنات آبادی - دكتر بقائی

دیرآمنده با اجازه - آقای محمد حسین

نقشائی یکساعت

رئیس - آقای اخگر در صورت جلسه

فرمایشی دارید؟

اخگر - بله آقای دكتر سنجابی

ومهندس حسینی وسایر آقایانیکه در لایحه

غیاب ایشان مطرح شد و خودشان نبودند که تصمیم خودشان را با اطلاع مجلس برسانند این بود که مجلس نمایندگی ایشان را از تهران تصویب کرد و حال اینکه ایشان بنمایندگی از حکمران بیشتر استحقاق دارند.

رئیس - الان من بجنابعالی موده میدهم که ایشان نماینده تمام ملت ایرانند رود ارس تا بدریای گنگ آقای حائری زاده در صورت جلسه صحبتی دارید؟

حائری زاده - اصلاحات مختصری است مربوط بطبق بنده که تصور میکنم در چاپخانه اشتباهی شده اشرا تصحیح میکنم میدهم بهیئت تحریریه که آنرا اصلاح کنند و آقای صفائی هم چون ایشان جزء رأی دهندگان اخیر نوشته شده بود خواستم عرض کنم که ایشان تشریف نداشتند این را هم خواستم تصحیح کنم

رئیس - آقای مشار در صورت جلسه فرمایشی دارید؟

مشار - آقای فرامرزی ضمن بیاناتشان يك مطالبی فرمودند که بنده از جنابعالی تقاضا کردم طبق ماده ۹۰ اجازه بفرمائید صحبت کنم و جنابعالی فرمودید که چون رأی گرفته شده بگذارید برای بعد اینست که در صورت جلسه حرف دارم

رئیس - استدعا میکنم جلوس بفرمائید چون الان صحبت صورت جلسه است و موضوعی که باستناد ماده ۹۰ تقاضای صحبت فرموده بودید چون اعلام رأی شد آن موضوع تمام شد حالا موضوع دیگر که مجال پیدا شد ممکن است تذکر بدهید آقای مکی

مکی - بنده خواستم راجع بنیبت آقای دكتر فاطمی تذکر بدهم در جلسه قبل هم عرض کردم فرمودید بنویسم نوشتم مهنا اصلاح نشده

رئیس - میروید بکمیسیون محاسبات و اصلاح میشود آقای فرامرزی

فرامرزی - عرض کنم که بنده آن روز جسارتی با آقای مشار نکردم بکفتضایانی پارسل پیش آمده بود بنده گفتم و در همان جلسه هم عذر خواستم دیگر گمان نمیکنم موردی داشته باشد

رئیس - آقای دكتر کیان

دكتر کیان - بنده که جزء غائبین با اجازه در جلسه قبل بودم این را خواستم عرض کنم که نسبت بنده از نظر کسالتی بوده است که داشته ام تصور نشود که از اجاظ عدم شرکت در دادن رأی با آقایانی که اعتبار نامه ایشان تصویب شده است حاضر نشدم بنده کسالت داشتم اگر کسالت نداشتم حاضر میشدم با کمال میل بعه آقایان رأی می دادم

رئیس - این را برای استحضار همه آقایان عرض میکنم در اول جلسه که صورت غائبین و دیر آمدگان خوانده میشود این صورت بعد تصحیح میشود یعنی طبق تقاضای کتبی آقایان تصحیح میشود در صورت جلسه دیگر نظری نیست (گفته شد - خیر) صورت جلسه گذشته تصویب شد

۲- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنمایندگی آقای زهری از تهران و تصویب آن

رئیس - آقای خسرو نقشائی (آقای خسرو نقشائی گزارش کمیسیون تحقیق دائر بنمایندگی آقای علی زهری را بقراردیل قرائت نمودند)

اعتبار نامه آقای علی زهری که بمخالفت آقایان میر اشراقی بهادری و عامری بکمیسیون تحقیق ارجاع شده بود مورد رسیدگی واقع گردید جریان کلی انتصابات تهران بشرح گزارش شماره ۱۲ از شعبه چهارم و نمایندگی آقای علی زهری

ضمن گزارش شماره ۱۴ از شعبه چهارم
بمجلس شورای ملی رسیده
است.

مراتب بدین وسیله برای تصحیح خبر کمیسیون
تعمیق با تصریح موضوع هنگام قرائت
گزارش در مجلس اعلام شود.

۸ خرداد ۱۳۳۱ زهری

رئیس - آقای میراشرافی

میراشرافی - بنده بآقایان که وارد
بیت در این مجلس جناب آقای زهری از تهران
بشده مقدمه می‌خواهم از حضور جناب آقای
رئیس بگفتم که تکلیف منقذ آقایان
نمایند که در باره آید و تهران معلوم کنند برای
این چه این اداره تفتیش دست آن آقای
بشود فرموده اند اما آرد نه تلاشی است
و تحت تاثیر پنداشناس مخصوصی است تطبیق
آقایان راه جودش را نخواهد تعریف می
کند حرف‌هایی که این‌جا می‌زنم فقط برای
استحضار خاطر آقایان نمایندگان نیست
حرف‌هایی است که باید گوش تمام ملت ایران
برسد حرف‌هایی است که باید همه مردم از آن
اطلاع داشته باشند که وقایع روز و جریان
مجلس چه بود است ما از آقای رئیس باید
استماع کنیم که یا مثل سابق دستور بفرمایند
رادیو را وصل کنند مجلس یا آنچه مامی
گویم عیناً نقل بکنند و تبیین نکنند (ناظر
زاده - آقای زهری هم که شکایت داشت)
بنده یک عرض دیگری هم داشتم که راجع
بجناب آقای راشد است و امروز اتفاقاً
جناب آقای راشد تشریف ندارند من یک
تذکری دارم که هم مربوط بجناب آقای
راشد است و یک قسمت آن هم مربوط بسوه
تفاهمی است که در خارج پیدا شده و باید
این سوه تفاهم مرتفع بشود و یک قسمتی هم
مربوط بانتهای تهران است که با اجازه
آقایان عرض می‌کنم
در جلسه گذشته جناب آقای راشد در
بارتیر و بیرون بیاناتی فرمودند در ضمن اظهار
داشتند که ایشان طبیعی‌ترین نمایندگان هفده
دوره قانونگذاری میباشند هر گاه ایشان
در بیان این مطالب خود را از تمام نمایندگان
این هفده دوره (طبیعی‌تر) نمیدانستند و
فقط (طبیعی) اکتفا میکردند بنده این
تذکره را نمیدادم و لکن اینکه ایشان خود
را افضل از همه کلای سابق و فعلی مجلس
دانسته اند که بسیاری از آنها در این
مجلس نیستند و بسیاری دیگر دستشان از دنیا
کوتاه است تحمل این اهانت بمقام خدمت-
گزاران مشکل خواهد بود البته خود ستانی
گاه نیست اما نصیب حق دیگران گناه است
و نمیتوان از آن گذشت بیان جناب آقای
راشد نه تنها با فرد زنده نظیر آیت‌الله کاشانی
و حتی آقای دکتر مصدق نماینده مجلس
در ادوار گذشته و سایرین توهین بود بلکه
اهانت بزرگی بود که بمقام مرحوم مدرس
مرحوم مشیر الدوله مرحوم موتین الملک
مرحوم بهبهانی مرحوم طباطبائی و بسیاری
از پیشوایان صدر مشروطیت وارد شد حتی

خود که علامت رضاست تصویب کردند پس
ملاحظه میشود که متأسفانه بعضی بیاناتی
که در این مجلس در باره حرمت منبر ایراد
شد از روی ایمان و عقیده نبود.
و اما آخرین تذکره بنده فرقی بزمین
و تریبون مجلس بود که بنده بآن اشاره
کرده بودم و جناب آقای راشد آن را
بمعنای یک حرفه تفسیر کردند که این روزها خیلی
مد و مرسوم است بلند کردند در صورتیکه این
عمل از ایشان بعید بنظر می‌رسید بنده خوشوقت
که آقای رئیس فرمودند اظهارات جناب
آقای راشد جنبه رسمی ندارد. جناب آقای
راشد بدانند که اگر بنده بیشتر از ایشان بنبر
علاقه نداشته باشم قطعاً کمتر از ایشان نخواهد
بود.
بنده عرض کردم فرقی است بزمین و تریبون
مجلس و منبر و حالا هم کاملاً بعقیده خود
استوار هستم و بزرگترین دلیل بنده بیانات
مرحوم مدرس در دوره چهارم از پشت همین تریبون
میباشد روزیکه در این مجلس لایحه منع مسکران
خارجی مطرح بود یکی از آقایان روحانیون
مجلس ایراد کرد که گفتگو در باره این
مطلب در مجلس مسلمین جایز نیست مرحوم
مدرس جواب دادند که (سه سالار در
بنده در جلسه پیش عرض کردم هر سخن جایی
و هر نکته مقامی دارد بنده خود از خاندان
حضرت پیغمبر اکرم هستم و سیادت خاندان
نبوی از جمله افتخارات بنده است علاوه
وقتی گفته شود منبر محترم است مسلم است
که یک قطعه چوب بخودی خود احترام ندارد
بلکه مقام منبر محترم است کما اینکه پیغمبر
اکرم از بالای چهارشتر خطاب معروف خود
را قرائت فرمود و در آنجا چهارشتر منبر
پیغمبر بود پس همه معتقدند که آنچه بمنبر
احترام میدهد مقام ناطق و بیان ناطق است
و الاسلاماً یزید بیان معاویه هم بالای منبر میرفت
و آن منبر محترم نبود
گریه‌ی - آقا این مربوط بانتهای
آقای زهری است؟
(زنگ رئیس)

بنده همانطوریکه در جلسه گذشته عرض
کردم اگر احترام مقام منبر واقعاً مورد توجه
جناب آقای راشد بود همانطوریکه فرمودند
عقیده دارند که منبر بالاتر از تریبون مجلس
است بهتر بود در مقام حفظ این منبر از خطر
تجاوز اشرار بر می‌آمدند زیرا همه میدانند که
روز اول ماه مبارک رمضان عدای ناشناس
(شناخته شده) حجة الاسلام آقای فلسفی
را با چاقو و دشنه از منبر باین کشیدند و با
اینکه حضرات آیات‌الله رجوبی و بهبهانی
و ۷۲ نفر از علماء طراز اول تهران و نجف
اشرف باین عمل اعتراض نمودند و روزی
نیست که صدها نامه و تلگراف اعتراض از
مردم مسلمان باین عمل نرسد معذراً کسانی که
ادعای دفاع از منبر می‌دارند سکوت
اختیار کردند و این هتک حرمت را با سکوت

ناراد بنده امیدوارم این تذکر بنده جناب
آقای راشد را قانع کرده باشد و البته مقام
منبر مورد احترام عموم مسلمانان میباشد و از
طرفی هم باید عرض بکنم که این
تریبون مجلس شورای ملی برای ملت ایران
بسیار مقدس و محترم است این سنگر آزادی ملت
ایران است و ملت ایران با فداکاری و جانپسندی
در رخنه خون جوانان این سنگر را از چنگال
و ریختن مستبد گرفته است و ملت ایران
پایه‌ها را مستبد می‌داند که با فداکاری و جانپسندی
راست هم بدانند که با این سنگر آزادی نیایستی
چشم‌چقارت نگاه کرد و این سنگر خون
پناه ملت ایران است و این مجلس شورای
ملی که آما ملت ایران است
البته همه آقایان تاریخ مشروطیت را
ملاحظه فرموده‌اند که در ابتدای مشروطه
پندری مردم برای این خانه ملت احترام
قابل بودند وقتی که از درب مجلس عبور می
کردند با حالت ادب و تعظیم عبور می نمودند
بجای این خانه مقدس مورد احترام و
نظم ملت ایران میباشد و بنیستی باینکه
مخارت بخانه ملت نگاه کرد اساساً مثل این
مطلب در مجلس مسلمین جایز نیست مرحوم
که جناب آقای راشد در این جمله قصد
توهین داشته زیرا در ضمن اظهاراتشان
فرمودند مرحوم آیت‌الله نوری را باندازدند
بآن مرحوم توهین نمودند در صورتی که اگر
بکمرد روحانی اختلاف عقیده سیاسی داشته
باید سلب حیثیت روحانی از او نخواهد
شد مرحوم آیت‌الله نوری در همان زمان هم
بیرونی داشته و مورد احترام مردم بوده و امروز هم
آن مرحوم مورد احترام میباشد کما این
که در همان تاریخ مرحوم آیت‌الله سید محمد
کاظم یزدی با مرحوم آخوند اختلاف عقیده
داشتند ولی مرحوم آیت‌الله یزدی مورد
احترام و مرجع تقلید بوده در خانها عقیده
باید عرض بکنم در آن جلسه اینکه آقای
راشد مرحوم آقا شیخ فضل‌الله نوری توهین
نمودند تاکنون نامه تلگرافات زیادی رسیده
و دستاویز این وزیر مشاور در اطاق خراب
جناب آقای مصدق السلطنه بود در نتیجه
اماراج باقی زهری بنده وارد خصوصیات
آقای زهری نمی‌شوم (زهری - بنده می‌باید)
ایشان خواهش هم بکنند باز در خصوص
نمی‌شود زهری همان رویه را پیش از این
مجلس شورای ملی می‌رسانم و ایشان راه عرض
میکنم که چه طور شده است آقایان محترم
البته اطلاع دارند

بسیاری از دولت ها و روساء دولت
هایی که در عرض چند سال اخیر دوران
دو کراسی متصرف شدند و اصول و قانون
را زیر پا گذاشتند و با خلاقیت و مروت
مطلوبه وارد ساختند اغلب اینها از این
انحرافات را بعین خودشان مرتکب شده‌اند که
همکاران بهم مشاورین مغرض دست‌اندر کار
واقع طلب اکثر رئیس الوزراهای بعد از
شهریور را متصرف کردند و مردم را نسبت
به دستگاه حاکم بدبین ساختند و اساساً نظم
اجتماع ما را متزلزل نمودند حقیقت آنست
که تقدیری که آقای مصدق السلطنه در عرض
سیزده ماه زمامداری خود از مستشار بدو
دستیار فاسد و همکار مغرض یا
مفسد لطمه دیدند و به مملکت لطمه زد هیچ
دشمن خارجی اینگونه برضد ما عمل نکرد
این مشاورین مغرض در تمام شؤون مملکت
بنا درستی عمل کردند و حاصل کار ایشان
هدین است که می‌بینیم همه میدانند که آقای
مصدق السلطنه آدم قوم و خویش بازی
است و در این راه افراط میکند و بسیاری
از امور حساس مملکتی را بیستگان نادان
و مغرض یا جاهل خود واگذار می‌کند و
اولین لطمه این قوم و خویش بازی جهت
را خودش و بعد مملکت می‌بیند در کار
انتخابات نیز مثل کار نفت مثل اداره تأسیسات
آبادان مملکت از این خطر قوم و خویش
بازی مصون نماند به همین جهت آقای مصدق
السلطنه یک دستیار مغرض یک همکار معرفی
نظیر آقای امیرعلانی را برای خود انتخاب
کرد که اگر روزی پرونده های جنایات
و مفاسد وقتل و کشتارهای انتخاباتی فاش
شود آنوقت معلوم خواهد شد که سهم این
مشاور بدکار در این جنایات و مظالم تاجه
اندازه بوده است بزرگترین ضربتی که
آقای امیرعلانی در جریان انتخابات بر بیکر
موجود بود و بر بیکر حکومت مصدق السلطنه
وارد ساخت صرف نظر از تمام توصیه های
خلاف قانون و اصول مداخله دادن علیه در
کار انتخابات و بعد تم گرفتن دستگاه قضائی
بود همه میدانند که در این مملکت دموکراسی
هرگز قاضی و عدلیه امور اجرائی فرمان
دوات نمی‌شوند اما آقای امیرعلانی وزیر
مشاور بهیستستی آقای سمعی در اسر وزارت
عدلیه این دستگاه را لجن مال کرد
دولت را مداخله کار نشان داد بطوریکه
میتوان به جرأت ادعا نمود قسمت عمده
کشتارها و تواجیح انتخاباتی معلول توطئه‌ها
و دستاویز این وزیر مشاور در اطاق خراب
جناب آقای مصدق السلطنه بود در نتیجه
اماراج باقی زهری بنده وارد خصوصیات
آقای زهری نمی‌شوم (زهری - بنده می‌باید)
ایشان خواهش هم بکنند باز در خصوص
نمی‌شود زهری همان رویه را پیش از این
مجلس شورای ملی می‌رسانم و ایشان راه عرض
میکنم که چه طور شده است آقایان محترم
البته اطلاع دارند

ازان واقفند و تصدیق دارند - بنده در باب
جریان انتخابات تهران که آقای علی زهری
نیز پنجاه و پنج هزار رأی از آن رداشته‌اند
و نماینده دوازدهم طهران هستند گفتنی‌ها
را بعرض رسانیده‌ام اصولاً برای اثبات
صحت یا سقم هر امری باید دلیلی ارائه داد
بنظر بنده وجود آقای علی زهری یک سند
زنده و یک مدرک غیر قابل انکار برضد
انتخابات طهران است و شاید خواست خدا
بوده است که ایشان هم بمجلس بیاید تا
فساد انتخابات تهران یک مدرک زنده داشته
باشد بنده از موقبت استفاده کرده و خود
ایشان را بعنوان آخرین سند و قاطع‌ترین
دلیل فساد انتخابات حضور آقایان معرفی
می‌کنم.
در خاتمه عرض خودم تذکر می‌شوم
که هر گاه از این پنجاه و چند هزار رأی
که آقای زهری در انتخابات تهران داشته‌اند
فقط صاحبان پنجاه هزار رأی حاضر شوند
دقتی را در مجلس امضاء کنند و خود را
بمعاون موکل ایشان معرفی و یا
اصولاً اعتراف نمایند که ایشانرا می -
شناسند آنوقت بنده تمام عرایض خود را
پس میگیرم و قبول می‌کنم که ایشان حق
دارند از همان صندوقی سر در آورند که
موتین الملک و مشیرالدوله و مدرس و
آیت‌الله طباطبائی و آیت‌الله بهبهانی از آن خارج
شدند و ایشان حق دارند روی صندلی آن
بزرگوار ها بنشینند حالا آقایان شما در
دادن هر رأی با ایشان مختارید اگر آقای
زهری از تهران انتخاب شدند ممکن بود
از رشت هم انتخاب بشوند یا از بندر پهلوی
(زهری - از مشگین شهر) (ممتد مدانندی -
بندر پهلوی را کیل دارد) حالا یک موضوعی
است که از خارج می‌خواهم بعرض آقایان
برسانم و آن موضوع انتخابات دوره یازدهم است
در دوره یازدهم که آقای قوام السلطنه نخست وزیر
بودند جناب آقای دکتر مصدق بانتهای تهران
اعتراض نمودند و در دربار متحصن شدند که
انتخابات تهران وضعیت خوب نیست و قبضه
حزب دموکرات ایران است و اشخاص نابابی
را بر مردم تهران تحمیل کرده‌اند اتفاقاً بنده
خود هم جزو متحصنین بودم و با آقای دکتر
مصدق در دربار بودم و جزو مخالفین بودم
حالا می‌بینم هر چه روز می‌گذرد حکومت
های گذشته روستقیرتر میشوند آدم می
بیند که حکومت‌های گذشته روز بروز ضعیف
می‌شود که کاش حکومت قوام السلطنه
انتخابات را انجام داده بود برای اینکه
آن اشخاصی را که آقای قوام السلطنه از تهران
انتخاب کرد اشخاصی بودند مثل دکتر
امینی مثل آقای سید هاشم و کبیر مثل علی
و کبیری مثل عبدالحسین نیک‌نور هیچ وقت در
لیست آقای قوام السلطنه یعنی لیست حزب
دموکرات اشخاصی مثل آقای زهری نبودند
و یک همچو آدمی را ایشان هیچ وقت حاضر

نبودند که معرفی کنند و بر مردم تهران تحمیل
کنند (قنات آبادی - اشراف را باید اشراف
تحمیل کنند) آقای دکتر مصدق که جزو
اشراف نیستند؟! آقای مشاور هم که جزو
اشراف نیستند آقای نریمان هم که جزو
قنای این مملکتند آقای قنات آبادی نظر
باینکه باقی زهری علاوه دارند و مدتی
بنده هم با آقایان متحصن بودم و شبها بخوابیدیم
توی یک اطاق اینست که بنده هم دیگر راجع به
آقای زهری عرایض را خواندم می‌دهم و ضمناً
می‌خواهم عرض بکنم که خود آقای زهری
آمدند این پشت تریبون و خواهش کردند
که با ایشان رأی ندهند حالا یک کسی نمی
خواهد و کیل بشود آقایان چه اصراری
دارند محض گل‌روی جناب آقای زهری هم شده
آقایان همت کنند و با ایشان رأی سفید
نهند انشاء الله دوره دیگر ایشان از رشت و کیل
بشوند بنده دیگر عرضی ندارم
رئیس - آقای زهری
مطالبی دارند بفرمایند بعد بنده جواب عرض
خواهم کرد.
رئیس - آقای عامری
عامری - بنده عرضی ندارم
رئیس - آقای بهادری
بهادری - در مقدمه عرایض خود خدا
را شاکر و سپاسگذارم که با دیدن روانم
عطا فرموده که برای ادامه خدمتگذاری
خود در دوره هفدهم وارد جرگه آقایان
نمایند گان محترم گردیده و مخصوصاً از حسن ظن
و توجه قاطبه اهالی محترم تبریز تشکر نموده‌ام
خدای توانا توفیق خدمت در انجام تکالیف
ملی و اجرائی نظیر به اصلاحی هم شهرهای
عزیزم را مسئلت دارم
و اما موضوع مخالفت بنده با اعتبار نامه
آقای زهری که اساساً مزاحمت تصدیق بنده را
در حضور آقایان تشکیل میدهد ناچار بعرض
مقدمه کوچک می‌باشم البته عده از آقایان
نمایند گان محترم که در ادوار گذشته افتخار
هم کاری ایشان را داشته ام کلاً برویه
اخلاقی و روش پارلمانی بنده استحضار دارند
که در مسائل پارلمانی و جریانات مملکتی جز
خدمت و رعایت مصالح کشور و انجام تکالیف
ملی و اجتماعی قصد و هدف دیگری نداشته
و کوچکترین نظر خصوصی با اشخاص هم
چنین در خدمت ندارم و امیدوارم شما هم
همین روش بیروی کم و برای همیشه نصب
الین خود قرار بدهم انشاء الله
بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند
بنده نسبت بانتهای تهران با آن کیفیت
که پرونده امر حکایت میکند معترض و
دلائل اعتراض خود را در کمیسیون بعرض
آقایان رسانیده‌ام که در گزارش کمیسیون
تحقیق از نظر آقایان محترم گذشته آقایان
بنده شخصاً نظری با آقای زهری ندارم

مأمورین یزد با وجود ویکی رئیس شهریانی که چهارده سال در یزد بوده و فقط مدت 6 ماه بکرمان منتقل شده بود برای ریاست شهر بانی یزد با قریحه انتخاب شده بود. این فرقه کشتی آقای موقی هم فرماندار شده بود تا در دروز های اول با مردم تماس گرفته و وعده میداده که انتخابات بانهایت آزادی انجام خواهد گرفت و مردم در این جریان خوشحال میشوند ولی در جریان عمل برخلاف گفته خود عمل نکرده و همان صندوق سازهای سابق را جهت انجمن انتخابات تعیین مینامید من پیشهاد کرده که در یزد 9 نفر کاندیدا هستند هر کدام از آنها 12 نفر معرفی کنند و انجمن مرکزی از بین آنها انتخاب گردد ولی فرماندار باین پیشنهاد وقتی نگذاهد و بمان برینویی که دستور نشکرده.

آقای دکتر طاهری منتخب مورد اعتراض در کمیسیون حضور یافتند و پس از استحضار از خلاصه بیانات معترضین توضیح دادند در دوام آقای حائری زاده نیکو استند یزد و قبل دانسته باشد و هر کس مدعی مصلحت تعیین مینامید در روز سخنانی از صبح عده زیادی قوای نظامی در محل حاضر میشوند و کسی هم از طرفداران آقای دکتر طاهری در محل سخنرایی حاضر نگردیده بالاخره آن روز قبل از اینکه سخنرانی شروع شود حارو جنازه را با هم کردند که از طرف مأمورین نظامی شلیک میشود و چند نفر کشته میشوند و بهیچ یک از نظامی مآسیمی نرسید در نتیجه انتخابات متوقف میگردد و از طرف دولت آقای ساربنندی بعنوان مأمور فوق العاده و آقای سرهنک رفیعان جهت حفظ انتظامات یزد اعزام میگردد و از این پس در یزد یک محیط ارباب و وحشتی ایجاد میگردد و در این محیط از 108 نفر دعوت بعمل میاید که چون مورد شلاق مردم یزد نبودند علماء حکم تعزیم انتخابات را میدهند صرف نظر از این جریان بعقد من مصاحبت عمومی و سیاست مملکت انجباب می کنند که امثال ایشان در مجلس نباشند توضیحاً اینک در انتخابات واقعی که بصورت صحیح و بطریق آزاد انجام میگردد تفاوت آراء چندان زیاد نیست ولی در انتخابات یزد منتخبین هر کدام در حدود 25 هزار رأی داشته اند ولی نفقات بعد آراءشان از 150 تجاوز نکرده است

پس از بیانات ایشان آقای شمس قنات آبادی مخالف دیگر آقای دکتر طاهری بیانات آقای حائری زاده را تأیید نمودند و گفتند اصولاً در یزد انتخاباتی انجام نشده است و مدارک موجود در یزد نکرده است که دکتر طاهری در فرقه کشتی جهت انتخاب مأمورین دست داشته فرماندار طبق پیشنهاد آقای دکتر طاهری از فرقه مأمورین یزد بیا خدمات مرا فراموش نمیکند در آمده و عملیات بعدی او مؤید مصباح است نامه ای موجود است که میخواستند مردم را

تبعید کنند سرهنک شریفی رئیس شهریانی معزوم دکتر طاهری بوده و چهارده سال در یزد سابقه خدمت داشته بکنفر برای فرماندهی ژاندارمری بطریق فرقه جهت یزد انتخاب میشود چون آقای دکتر طاهری مخالف ایشان بودند دیگری را بجای او معرفی کرد و اندک مدتی فرمانده ژاندارمری باین موضوع اعتراض میکنند و این جریان بطور وضوح در پرونده امر منعکس است بازار تهیبت و اقترا و ایجاد ارباب در حوزه انتخابیه یزد بعد از آن شروع داشته و هر کس که مخالف آنها بود است تهمت توده ای و کمونیست میزدند

آقایان شبستری و زهری هم بغیر از بیانات آقایان فوق الذکر اظهاری نکرده.

آقای دکتر طاهری منتخب مورد اعتراض در کمیسیون حضور یافتند و پس از استحضار از خلاصه بیانات معترضین توضیح دادند در دوام آقای حائری زاده نیکو استند یزد و قبل دانسته باشد و هر کس مدعی مصلحت تعیین مینامید در روز سخنانی از صبح عده زیادی قوای نظامی در محل حاضر میشوند و کسی هم از طرفداران آقای دکتر طاهری در محل سخنرایی حاضر نگردیده بالاخره آن روز قبل از اینکه سخنرانی شروع شود حارو جنازه را با هم کردند که از طرف مأمورین نظامی شلیک میشود و چند نفر کشته میشوند و بهیچ یک از نظامی مآسیمی نرسید در نتیجه انتخابات متوقف میگردد و از طرف دولت آقای ساربنندی بعنوان مأمور فوق العاده و آقای سرهنک رفیعان جهت حفظ انتظامات یزد اعزام میگردد و از این پس در یزد یک محیط ارباب و وحشتی ایجاد میگردد و در این محیط از 108 نفر دعوت بعمل میاید که چون مورد شلاق مردم یزد نبودند علماء حکم تعزیم انتخابات را میدهند صرف نظر از این جریان بعقد مصاحبت عمومی و سیاست مملکت انجباب می کنند که امثال ایشان در مجلس نباشند توضیحاً اینک در انتخابات واقعی که بصورت صحیح و بطریق آزاد انجام میگردد تفاوت آراء چندان زیاد نیست ولی در انتخابات یزد منتخبین هر کدام در حدود 25 هزار رأی داشته اند ولی نفقات بعد آراءشان از 150 تجاوز نکرده است

پس از بیانات ایشان آقای شمس قنات آبادی مخالف دیگر آقای دکتر طاهری بیانات آقای حائری زاده را تأیید نمودند و گفتند اصولاً در یزد انتخاباتی انجام نشده است و مدارک موجود در یزد نکرده است که دکتر طاهری در فرقه کشتی جهت انتخاب مأمورین دست داشته فرماندار طبق پیشنهاد آقای دکتر طاهری از فرقه مأمورین یزد بیا خدمات مرا فراموش نمیکند در آمده و عملیات بعدی او مؤید مصباح است نامه ای موجود است که میخواستند مردم را

از یزد انتخاب نشوم باید مثل دوره پانزدهم مرا حبس کنند و صد هان فراموش از یزد تبعید نمایند اعتراضات دیگر معترضین اصولاً قابل جواب نیست هر نسبتی را که بخواهند بهر کس میدهند و از بازار تهیبت و اقتراء سوء استفاده می کنند و اما اینکه آقای حائری زاده گفته اند در روز سخنانی آسیمی بهیچیک از مأمورین نظامی وارد نشده این خودشان را اداره میکنند در یک هم چهره فاضلی طور نبوده و متأسفانه بکنفر سر باز گشته شده است و قضیه قتل در قریباً دو ماه قبل از موضوع انتخابات بوده است

پس از بیانات آقای دکتر طاهری آقایان صرافزاده و جلیلی دو نفر منتخب دیگر شهرستان یزد در کمیسیون حضور یافته و توضیحاتی در اطراف صحت انتخابات یزد دادند

کمیسیون تحقیق با توجه با اعتراض مخالفین و توضیحات آقای دکتر طاهری و منتخبین دیگر یزد و توجه بیرون دانستن انتخابات و با ملاحظه باینکه انتخابات یزد تحت نظر آقای ساربنندی که بصحت عمل و حسن نیت مشهورند انجام یافته و طبق محتویات پرونده عملی برخلاف قانون در انتخابات آسمان انجام نیافته و مبارزه انتخاباتی هم در این دوره بخصوص در اکثر شهرستانها جریان داشته و در مورد شخص آقای دکتر طاهری هم دلیلی که مثبت ادعا باشد ارائه نگردیده است کمیسیون تحقیق گزارش شماره ۲۰ از شنبه چهارم مبنی بر صحت انتخابات یزد و ناپندگی آقای دکتر طاهری را تأیید می نماید

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - جریان که راجع تصویب اعتبارنامهها در مجلس انتخاب شده است و قضاوت سیاسی که آقایان میفرمائید من باید از آن 14 نفری که مخالف با نمایندگان من بودند گله کنم که چرا یک نفر دیگر با خود همراه نگردند که من را از این خدمت معاف کنند زیرا که رویه مجلس یک رویه ای است که برای شنیدن حرف حسابی و قانونی بصحت عمل مشهورند برای اینکه در اطراف رئیس شهریانی جای صحبتی باقی نباشد از مرکز آقای سرهنک رفیعان که از مأمورین عالی رتبه و صحیح العمل و مورد اعتماد باشد و همچنین مناسب در انتخابات تهران ایشان مأمور انتظامات بوده اند برای حفظ انتظامات یزد اعزام شدند اگر این آدم صندوق ساز بود پس و کلاهی تهران را هم بر خلاف حق از صندوق بیرون آورده است همانطور که تذکر داده در انتخاب مأمورین یزد اعمال نفوذ بعمل نیاورده و بیانات معترضین مورد تکذیب این جانب است بهر صورتی که در یزد انتخابات بعمل آید این بنده وکیل مسلم و طبیعی آنجا هستم زیرا یزد بیا خدمات مرا فراموش نمیکند و مرابعه میشو وکیل خود می دانند اگر بخوانند

بزرگی که بیش سایر ایالات و استانها باشد که دهها رتبه جزا را با ما مجبور باشند مطابق نظر او روند آراشان را در صندوق بریزند و هم چو وضعی وجود ندارد کسی که مالک یک ده باشد انگلی باشد انگشت شمار است آنهم مگر تازه پیدا شده باشد و همی که تازه شده باشد يك دهی که دویت خانواده داشته باشد مالک عمده ندارد و خرده مالک است و انتخابات دوره ششم نماینده انتخاباتی در یزد معنی نداشت دسته هائی در یزد بود بعنوان اعتدال دموکرات تشکیلی میگردند این از طریق خارج میشد و به آنها افزودن میشد حالا موضوع کمونیست وتوده ایجاد شده است هر کس با کسی مخالف است رقیبش را میگوید این کمونیست است اینهم توده ایست من بگردد حضور اعلیحضرت بودم راجع با انتخابات همین دوره از من پرسیدند من عرض کردم خدمتشان يك اشکال اساسی برای این قسمت هست فداکاریهائی من از او دیدم و از فامیل او هم شرمند هستم برای این فداکاری های مرحوم آقا سید محسن يك اشخاص خوب نسبت بمن ادامه میدهند و من موفق شدم خدمتی باین مردم بپارم معلوم بکنم این دلیل خوبی آنهاست دلیل یأس آنهاست از حکومت مرکزی همینکه کسی با آنها دوستی داشته باشد و از شرش معصوم باشند خدایا سا کردند از شر من معصوم بودند من انجام نیافته و مبارزه انتخاباتی هم در این دوره بخصوص در اکثر شهرستانها جریان داشته و در مورد شخص آقای دکتر طاهری هم دلیلی که مثبت ادعا باشد ارائه نگردیده است کمیسیون تحقیق گزارش شماره ۲۰ از شنبه چهارم مبنی بر صحت انتخابات یزد و ناپندگی آقای دکتر طاهری را تأیید می نماید

بزرگی که بیش سایر ایالات و استانها باشد که دهها رتبه جزا را با ما مجبور باشند مطابق نظر او روند آراشان را در صندوق بریزند و هم چو وضعی وجود ندارد کسی که مالک یک ده باشد انگلی باشد انگشت شمار است آنهم مگر تازه پیدا شده باشد و همی که تازه شده باشد يك دهی که دویت خانواده داشته باشد مالک عمده ندارد و خرده مالک است و انتخابات دوره ششم نماینده انتخاباتی در یزد معنی نداشت دسته هائی در یزد بود بعنوان اعتدال دموکرات تشکیلی میگردند این از طریق خارج میشد و به آنها افزودن میشد حالا موضوع کمونیست وتوده ایجاد شده است هر کس با کسی مخالف است رقیبش را میگوید این کمونیست است اینهم توده ایست من بگردد حضور اعلیحضرت بودم راجع با انتخابات همین دوره از من پرسیدند من عرض کردم خدمتشان يك اشکال اساسی برای این قسمت هست فداکاریهائی من از او دیدم و از فامیل او هم شرمند هستم برای این فداکاری های مرحوم آقا سید محسن يك اشخاص خوب نسبت بمن ادامه میدهند و من موفق شدم خدمتی باین مردم بپارم معلوم بکنم این دلیل خوبی آنهاست دلیل یأس آنهاست از حکومت مرکزی همینکه کسی با آنها دوستی داشته باشد و از شرش معصوم باشند خدایا سا کردند از شر من معصوم بودند من انجام نیافته و مبارزه انتخاباتی هم در این دوره بخصوص در اکثر شهرستانها جریان داشته و در مورد شخص آقای دکتر طاهری هم دلیلی که مثبت ادعا باشد ارائه نگردیده است کمیسیون تحقیق گزارش شماره ۲۰ از شنبه چهارم مبنی بر صحت انتخابات یزد و ناپندگی آقای دکتر طاهری را تأیید می نماید

رئیس - آقای صرافزاده قدری

اصفاک بفرمائید

حائری زاده - وقتی که یزد بیا بر خلاف جناب آقای دکتر طاهری و اعوان و انصاری که عده قلبی هستند بودند (صراف-زاده - اکثریت بودند) اکثریت مجلس را بنده قبول می کنم. آنها می گفتند دنبال يك صفی بروید که با دکتر طاهری همکاری نکنند رویه آقای دکتر طاهری اینطور است که خیلی آدم نرم و ملایمی است و شمش هم بد نیست همیشه بومی کشد بین قدرت کجاست میرود نزدیک قدرت و مشغول گردش در اطراف آن مرکز نقل میشود و ضعفاء و بیچاره هائی که در آن حول و حوشند ناراضی می شوند از این رویه و آه و ناله شان بلند می شود و می خواهند که يك صفی تشکیل بدهند اینها تهران وقتیکه من در داد گستری بودم نظر باینکه تا یک ربع داشتند من مراجعه می کردم من با آقایان گفتم که آقایان من در بین برد ومع التأسف يك درد بدیدمان دیگری پیدا شده است و این در این مملکت بوده است منتهی حالا رنگش عوض شده است

دکتر یزدی او وعده داده بود که شما تشکیلاتی بدهید من شر آقای دکتر طاهری را از سر شما می کنم آقایان نرفته بودند آنجا تشکیلاتی داده بودند با حزب اراده ملی مبارزه کردند و اینکه آقای صرافزاده می فرمایند صحیح است حزب توده با اینکه يك حزب حلق الساعه ای بود خیلی قوی بود در ظرف یکی دو ماه تمام یزد را گرفت تا حکومت قوام السلطنه که وزیران حزب توده را کنار گذاشت و حزب دمکرات قوتی پیدا کرد و جناب دکتر طاهری را هم که اینجا مورد سوء ظن شده بود توقیف کرد یزد بیا خودش حزب توده را داغان کردند و رفتند بجذب دمکرات (معتمد دامغانی - شما رفتید ؟) من برای تشکیلات حزب دمکرات به یزد رفتم مبارزه شدید را که کردند خدمت اعلیحضرت عرض کردم و ضمناً عرض کردم شما نواب را می شناسید این توده ایست ؟ فرمودند نه گفتیم آنها دستة ضد ظالماند ظالم وقتی بگردم تندی می کند مردم می خواهند در يك نقطه ای جمع شوند هر کس جواب شکایت آنها را بدهد مرید او هستند در مردم مذهبی و خرده مالک ولی ثابت قدم یزد ممکن نیست روح کمونیزم نفوذ پیدا بکنند هر چه خواسته باشند و تبلیغ بکنند ممکن نیست برای اینکه که امثالشان از خودشان یک قطعه زمینی دارند یک تهره آبی دارند يك زراعتی دارند يك خانه مسکونی دارند ده یکشان اگر بی خانه باشند آنها هم در نتیجه این چند تا کار خانجائی است که در یزد درست کرده اند و حالا دارد یک عمده ای را بدیخت می کند او لا باحال اینچنین بوده است يك مردم مذهبی ثابت قدم همیشه بر ضد فشار و زور اگرا احتمال میداده اند که يك کسی بشکایت وناله آنها از ترمیده قیام میگردد اند در آن ادوار گذشته چون مأیوس بودند که بدون آزاده مرکز خودشان نمی توانند تصمیم بگیرند هر چه نظر حکومت مرکزی بود مأمورین محلی همان را اجرامی کردند در این دوره حکومت دکتر مصدق وجدیت آیت الله کاشانی و تبلیغاتی که مبلغین ایشان در اطراف کردند مردم احتمال دادند که این آزادی راست است بعضی جاها هم بنتیجه رسید و مثلاً در قزوین در سایه آزادی بود که این دو شخص محترم انتخاب شدند و الا اینها نه ده داشتند نه پول داشتند نه زندگی داشتند چون نزدیک تهران بود از آزادی استفاده کردند و مردم قزوین دوفتری را که پنهان شده بودند بیا بیا با فرستادن باینجا آوردند همان کرسی پس از ختم پدرش می نشانند همین نواب و کسانش ایشان را روی همان کرسی نشانیدند و احترام کردند و يك لقب شیخ البریسی هم بایشان دادند تا اینکه شدند دکتر طاهری امروز باین نواب سالها دوست بودند و نواب نسبت به دوستانش خیلی فداکار است و در دوستی جنبه

اصفاک بفرمائید

حائری زاده - آقایان علماء واعظین ، طلاب طبقات ائمه اینها ها که جنبه پیشوای بعضی مردم دارند قیام کردند همه متحد بودند که آقای دکتر طاهری که من در اطراف شخص ایشان بعد صحبتش خواهم کرد بجزیه منفی داشتند در جنبه مثبت عادت داشتند که از مرکز نظری بایشان داده شود کلاً راداً تلگراف میکردند که شما کاندیدتان کیست من گفتم هر کس که مردم بهش عقیده دارند او کاندید من است برای من فرقی نمیکند همین صرف زاده را وقتی صحبت شد گفتم که شما وقتی جزو دسته و توبید دکتر طاهری نباشید من مخالف نیستم که شما انتخاب شويد چون صرافزاده يك آدمی است که جوانمردانهائی در زندگانش کرده من از این حیث خیلی بهش علاقه دارم از روزی که آقا سید ضیاء الدین آمده است باین شهر و دوستی با آقا سید ضیاء الدین پیدا کرده خانه و زندگي و پولش رادر اختیار او گذاشته و وسائل زندگيش را فراهم کرده و هیچ ازدوستیش کم نشده اینچنین اشخاص کم پیدا میشوند این آدم دوستیش قیمت دارد در دوستی ثابت قدم است آقای صرافزاده موقعیکه من رادر مجلس برده بودند آمدند در مجلس دیدن من و از من پرسید که کاری داری گفتیم خانه من را باین پول لازم دارند خرجی دارند بانه يك مبلغی بخواهند ما داده است که من تا حال نتوانستم قرضم را ادا کنم این یکمرد جوانمرد است ولی جوانمردی غیر از این است که فلانکس سفارت چین هم خوبست هر کسی را برای يك کاری ساخته اند من یقین دارم که این وکالت برای او ضرر دارد (امامی اهری - با این سابق چطور با او مخالفت میکنید) حالا که نوبت آقای صرافزاده نیست نوبت آقای دکتر طاهری است بعد که نوبت ایشان رسید عرض میکنم این صفی که تشکیل شده بود صف مخالف باد دکتر طاهری بود حالا چرا با او مخالفت کردند جناب دکتر طاهری در زندگانش يك آدمی است خیلی وقت شناس موقعیکه ایشان مدرسه تشریف می بردند با همین نواب در مدرسه بودند خیلی باهم دوست و رفیق بودند پدر ایشان مرحوم حکیم باشی هم وقتی وفات کرده مرحوم ایشان در آن موقع سنشان 16 یا 17 سال بود اینها مطابق معمول امروز که هر کس متصدی کسی شغلی و مقامی بود میبردند او را در همان کرسی پس از ختم پدرش می نشانند همین نواب و کسانش ایشان را روی همان کرسی نشانیدند و احترام کردند و يك لقب شیخ البریسی هم بایشان دادند تا اینکه شدند دکتر طاهری امروز باین نواب سالها دوست بودند و نواب نسبت به دوستانش خیلی فداکار است و در دوستی جنبه

رئیس - آقای صرافزاده در صحبت یزد دخالت نکردند (زنگ رئیس

افراط دارد اما وقتی که حزب دموکرات یزد رونق گرفت چون فواید حزب دموکرات داشت پیدامیشد ایشان علاقه پیدا کردند که از دوستی نواب قطع رابطه کنند و جزء دسته دموکراتوار شوند و گویای آن روز خیلی پارک بین دوستان بودند - حوزه های معدودی بود اشخاص را تا اعتماد و اطمینان کامل بقول و عملشان نداشتند یعنی بعضی وقتها ایشان برای آنکه مدال بکنند و وفادار به حزب دموکرات آنروز میمانند روابط خودشان را با آقای نواب قطع کرده و یک رفتارهایی با نواب کردند که باید از خود نواب بیسردن و کیل نواب نیست در هر صورت امروز دودو قطب مخالفند در دوره چهارم که من آمدم تهران و در یزد نبودم تشکلات دموکرات را ایشان خیلی توسعه دادند در آنجا نواب عدای را که از دوست سبقت نرفت تجاوز نمیکرد و با ایمان و عقیده فعالیت میکردند رساندنش بدوسه هزار نفر و از میان ریش سفیدها گداها و مفتخوره های آن روز و دزد دغنها که همه آنها لباس دموکرات پوشیدند و آمدم برای انتخاب دوره پنجم ایشان و کیل شدند و موفق شدند آمدم بجلس حالا آن رفقای دموکرات که آنروز قبواشان کرده بودند چه شد که یک صف مخالف تشکیل میدهند تاریخ را نمی خواهم من تکرار کنم خلاصه ایشان تشریف آوردند تهران. یک عوزاده ای ایشان دارند که همه آقایان نمایندگان می شناسند ایشان را آقای دکتر صحت بسیار آدم زوروف وهربانی است رئیس مریضخانه فیروز آبادی است ممکن است من از او گله داشته باشم اولای تهران ازش گله داشته باشم ولی یزدی هاهم کدام آمده اند این جا نسبت به کدام از آنها محبت و کرم کرده خوب آقای دکتر طاهری که دائمی زاده ایشان بود بطریق اولی در نتیجه خویشی و ارتباطی که با دکتر صحت داشت د کتر صحت آن روز در دستگاه محمد حسن میرزای ولیعهد بوده و ایشان هم در مجلس بودند و همان مجلسی که آقای اخگر هم تشریف داشتند بهر صورت رفتاری ایشان با دکتر صحت کردند که خود د کتر صحت هم از ایشان گله دارد و من و کیل د کتر صحت نیست که در اطراف این موضوع صحبت بکنم رفتار ایشان و کار ایشان در تهران این بود این د کتر صحت آنهم نواب آنهم دموکراتها، آنروز ایشان قدرت روز را خوب تشخیص میدهند و می توانند با آن قدرت خیلی زود تماس بگیرند و همکاری بکنند و شکلی رفتار بکنند که جزو عوامل آن قدرت بشوند دنبال این جریان و حوادث کودتا کم کم قوی شد آن بازی های جمهوری و سلطنت و اینها کم کم خاتمه یافت و یک دیکتاتوری سخت و محکمی

در ایران باید شد ایشان با آن دستگاه دیکتاتوری بودند و در تمام دوره های مجلس تشریف داشتند حالا اگر در دوره گذشته صحبتی بکنند و با این دوره ممکن است صحبتی نکنند ولی در دوره های سابق خیلی فرمایش میکردند در دوره دیکتاتوری او ای که به مجلس می آمد شما بنطقه های آنروز مراجعه بکنید مسکن و رویه وضعیت ایشان خوب روشن میشود من نباید زیاد در اطراف این موضوع توضیح بدهم هر جا یک لایحه حساسی بوده ایشان گرفته یک حاشیه اگر دیگری برای اینکه در این کار وارد شده باشند و خودی نشان داده باشند بر آن زدند و اینکار را حتی درباره قرارداد ۱۹۳۲ که هیچ ناطقی در آن دوره نطقی نکرده است جز ایشان یک اصلاحی کرده این وضع جریان ایشان بوده تا موقعی که قدرت دیکتاتوری شاه سابق در این مملکت برقرار بوده بعد از آن موقع ایران اقتدار بدست قشون خارجی انگلیس و روس امریکا یک هرج و مرجی در ایران شد این مرکز نیرو و قدرت سفارت انگلستان شد اینها هم ملایم این دستگاه شدند در آن موقع بنده در مجلس نبودم و این افتخار را نداشتم که نماینده کی آن دوره ها را پیدا بکنیم و بنام در مجلس ایشان در مجلس تشریف داشتند رفقا و همکارهای آن دوره - ایشان که صحبت میکنند جریان کار چنین بود است که در مسائل مهم تا یک (سندهازی) با مقامات خارجی نمیکردند اشخاص تمام در مجلس نمیکردند همکارهاشان هستند کشته میکوبند کترارا گفته اند خواسته باشید بپرید از شان از آنها می که در دوره بعد از واقعه شهریور در مجلس و کیل بوده اند میگفتند که این کلام (سندهاز) را ما نمی فهمیدیم که است و عقیده رفیق محترم ما چیست خوب وقتی که یک نماینده ای معتقد شد که از قوامی مگری برای نماینده کی مستقیم میشود دیگر کاری بر دم و شاکی و مظلوم و بیچاره محل ندارد فقط یک عده قلیلی که از اقارب او باشند آنها در تمام کارها مشیر و مشاور میشوند اگر یک شورای فرهنگی در یزد بنا بود تشکیل بشود با اینکه عده زیادی لیسانس و د کتر در یزد هستند که اگر نسبت به جمعیت حساب بکنیم از سایر نقاط بیشتر نباشد کمتر نیست چون یزدیها در کارهای علمی پشتکارشان خوب است چه در موقعی هم که حوزه های علمی خیلی مهم بود علمای بزرگی امثال فاضل اردکانی و سید محمد کاظم یزدی و فیروز آبادی بودند حالا هم که قسمتهای اجتماعی فرهنگی توسعه پیدا کرده است اگر به احصائیه دانشگاه مراجعه بکنیم می بینیم به تناسب جمعیتشان یزدیها اگر بیشتر د کتر بیرون نداده باشند کمتر نداده اند

در یزد هم د کتر لیسانس زیادند و چون خیلی علاقه دارند که روند به خانه خودشان و برای خانه خودشان یک دست و پائی بکنند که بروند آنجا و بمحل خودشان خدمتی بکنند با بودن عده زیادی د کتر و لیسانس در این کارهای اجتماعی فلان کسی که یک قرابت سببی غرضاً با د کتر داشته و بفرمایش آقای فرامرزی سوادش هم از من کمتر بود در آن موقع او عضو شورای فرهنگی میشد ولی آن د کتر و لیسانس نبوده و کسی او را بیازی نمی گرفته خوب این مسائل ایجاد عدم رضایت و خستگی ناراضیتی در مردم می کرده است البته چون حزبی بود و یک صف منظمی تشکیل می شده حالا خواسته اند جناب د کتر برود و راحت بکنند سالها خدمت می کند به این مملکت یا بخودشان عجاله راحت بکنند این فکر برای یزدیها پیدا شده مگر یک عده خیلی قلیلی که منتفع میشدند از این درخت بارور که مایل داشته اند که این درخت باشد و در سایه اش زندگی بکنند این هاعده شان به ۳۰۰ یا ۳۵۰ نفر نمی رسد مسلم بدانیدن موقعیتی بوده است که جناب د کتر در یزد داشته آنها هم که رفتار و اخلاق ایشان بوده است که در جریان عمل داشته اند در مجلس اینهم وضع و رویه مردم آنجا است حالا هم در انتخابات به بینیم چه پیش آمده یک شخصی را من پس از مراجعت از یزد زیارت کردم و بیشتر هم ایشان را ندیده بودم و حالاً هم اسم کوچک او را درست نمی دانم اسمش احمدی است (صراف - زاده - محمد است)

رئیس - آقای صراف زاده بگذارد که مبین بیان بکنند بفرماید آقا

حائری زاده - من ممنونم از ایشان که بمن کرم فرمودند.

رئیس - شاعر فغان را بزید آقای حائری زاده

حائری زاده - شما بگذردی کمتر تند اداره بفرماید اداره بفرماید مجلس را من حرفه را میزنم

رئیس - من با این تندی هم که اداره میکنم مجلس را شما اداره نمیشود بفرماید آقا (خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اوراد دعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجریان امور اجتماعی هم صحبت کنند و برود بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقای بگمده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدم تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب د کتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقای که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجانب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارعاب و تهدید و اینها درست در نمی آید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییر شان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می دهند بد بخانه قرعه در همه جا کور بودند اینجایک چشم بینائی داشت یک مأمورینی رفتند که آنها نسبت ب مأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسب تر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای یزد رفت که ۱۴ سال در یزد بود (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اوراد دعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجریان امور اجتماعی هم صحبت کنند و برود بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقای بگمده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدم تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب د کتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقای که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجانب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارعاب و تهدید و اینها درست در نمی آید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییر شان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می دهند بد بخانه قرعه در همه جا کور بودند اینجایک چشم بینائی داشت یک مأمورینی رفتند که آنها نسبت ب مأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسب تر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای یزد رفت که ۱۴ سال در یزد بود (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اوراد دعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجریان امور اجتماعی هم صحبت کنند و برود بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقای بگمده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدم تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب د کتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقای که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجانب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارعاب و تهدید و اینها درست در نمی آید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییر شان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می دهند بد بخانه قرعه در همه جا کور بودند اینجایک چشم بینائی داشت یک مأمورینی رفتند که آنها نسبت ب مأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسب تر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای یزد رفت که ۱۴ سال در یزد بود (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اوراد دعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجریان امور اجتماعی هم صحبت کنند و برود بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقای بگمده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدم تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب د کتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقای که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجانب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارعاب و تهدید و اینها درست در نمی آید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییر شان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می دهند بد بخانه قرعه در همه جا کور بودند اینجایک چشم بینائی داشت یک مأمورینی رفتند که آنها نسبت ب مأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسب تر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای یزد رفت که ۱۴ سال در یزد بود (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اوراد دعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجریان امور اجتماعی هم صحبت کنند و برود بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقای بگمده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدم تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب د کتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقای که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجانب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارعاب و تهدید و اینها درست در نمی آید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییر شان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می دهند بد بخانه قرعه در همه جا کور بودند اینجایک چشم بینائی داشت یک مأمورینی رفتند که آنها نسبت ب مأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسب تر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای یزد رفت که ۱۴ سال در یزد بود (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

را نباید در کارها دخالت داد مع التأسف هر جا از این حرفها گفته میشد تطبیق با حرفها که گفته میشد اسم کسی آنجا برده نمیشد بیاناتی بوده که تطبیق میشد با این شخص ایشان میخواستند بروند بکرمانروز آخر ماه صفر گذشته که حالا نزدیک آخر رمضان است ۷ ماه پیش مردم اوراد دعوت کرده بودند میروند در مسجد که تودیمی بکنند و نسبت بجریان امور اجتماعی هم صحبت کنند و برود بکرمان یک منزلی بوده است سر راه آن شیخ با اصحابش که میرفته بسجده آنجا را یکی از خویشان سببی ایشان که رئیس کار خانه ای شده که سهامش را مردم دارند ولی عوایدش بجیب آنها میروند و مردم چیزی نمیرسد آن آقای بگمده از چاقو کشهای کارخانه را جمع می کنند و شیخ را صدمه میزند مردم خبر میشوند اجتماع میکنند میباید این مهاجمین را بزنند پلیس دخالت میکند شلیک میکنند قفسه رخ داد شکایاتی از آنجا شد و من تا آنروز جناب شیخ را زیارت نکرده بودم تا اینکه آمدم تهران و من دیدم ایشان در این گزارش کیسیون که جناب د کتر فرموده اند بنده آن شیخ را در مراجعت از یزد دیدم و قبلاً ملاقات نکرده بودم این شیخ و رفقای که مجروح میشوند شکایاتی میکنند شکایاتشان که رسید من بجانب نخست وزیر عرض کردم که اوضاع یزد یک وضع خوبی نیست محیطی است که انتخابات اگر باید شروع شود با این شکل ارعاب و تهدید و اینها درست در نمی آید خوب است که آن مأمور شهر بانی آنها می در اینکار دست داشته اند تعقیب شوند ایشان فرمودند که به حکم قرعه همه اینها را تغییر شان میدهم یزدیها هم امیدوار شدند که اینها را تغییر می دهند بد بخانه قرعه در همه جا کور بودند اینجایک چشم بینائی داشت یک مأمورینی رفتند که آنها نسبت ب مأمورین سابق خیلی برای اجرای این منظور مناسب تر بودند مثلاً یک رئیس نظمی ای یزد رفت که ۱۴ سال در یزد بود (صراف زاده - در دوره ۱۵ خنده نمایندگان)

حائری زاده - خلاصه این جناب شیخ محمد احمدی میروید به یزد منبر و تمام حمله و تعرضش با نهائی که عامل اجنبی بوده اند بوده است میگفتند مردم برای کوتاه کردن دست اجنبی کوشا باشید عوامل اجنبی را بکار نگیرید خوب مثل اینکه جود با حاتم یک مناسبتی پیدا کرده است که هر جا اسم حاتم برده میشود آن جود و سخای او هم مورد توجه واقع میشود یا شجاعت و پهلوانی برای رستم در یزد هم هر جا صحبت از اینکه باید ریشه اجنبی را قطع کرد عمل اجنبی

بوده بکار و بلندگو را مشغول نصبش بوده اند يك افسر پلیسی که اسمش رامن فراموش کرده‌ام. آقا لابد اسمش را بهتر میدانند این افسر پلیس می‌رود کسی را که مردم را دعوت می‌کند از پشت بلندگو پیاورد باین (قات آبادی - سروان نامی) بلکه سروان کاملی که این سروان برای این رفتارش بعد يك توبیخ هم گرفته. نمایندگم چیست. این جناب سروان تشریف می‌برند تنها و این شخص را هم مردم را دعوت می‌کند. شانهش میشود از نصب بلندگو حتی باسعه او را تهدید میکنند. در نتیجه آقا این دوسیه را بیاورید اینجا که من باید از روی آن نگاه کنم. این جناب سروان از عقب بآن شخصی که بلندگو را نصب می‌کنند حمله میکنند يك سمانی که اهل رفسنجان بوده است. يك آدم نقاشی که رنگ بدو دیوار می‌زند يك آدم کاسبی که اهل اسلحه نبوده. اهل شرارت نبوده او برای اینکه در مسجد خدا يك جنابیت اتفاق نیفتد و این جناب سروان نزند این شخص را از پشت این را بگیرد و میرود پشت مسجد و لش می‌کند می‌گوید اینجا مسجد است برو بی کارت وقتی بر می‌گردد آن آقای سروان آن شخص یعنی آن قاش را با گلوله می‌زند و به نظامی‌هایی که آنجا بودند وقوای مسلح دیگر دستور زدن میدهد که مردم را بزنند. یکی از آن سربازهای وظیفه می‌گوید ما دستور زدن نداریم. آن جناب سروان بدست مبارک خودشان گلوله می‌بغزد او می‌زند. اورا هم می‌کشد.

رئیس - آقای حائری زاده یک قدری تأمل بکنید یک ساعت شما بسر آمد. حالا از آقایان کمی بشما توبه میدهد بفرمائید گرچه مطابق آئین نامه نوبه قابل انتقال نیست. یک ساعت هم سر آمد حالا هر چه که خودتان بهتر از من میدانید بفرمائید عمل کنیم.

حائری زاده - من حرف تمام نشده آقایان اگر اجازه میدهند بنده عرایضم را بکنم.

رئیس - اجازه‌اش با من نیست **یکی از نمایندگان** - چرا وقت را تلف می‌کنید که بعد رأی بخواهید. این جریان مجلس است باید ادامه پیدا کند.

رئیس - آقای حائری زاده حالا ممکنست دیگران صحبت بکنند بعداً شما صحبت بکنید.

حائری زاده - صبح پنجشنبه هم اگر آقایان وقت بدهند من حاضرم بقیه مطالب را بگویم.

میر اشرفی - آقای رئیس شما جلسه فوق العاده بکنید. این کار تمام شود.

رئیس - می‌کنیم.

حائری زاده - من حرف تمام نشده

رئیس - آقای قنات آبادی

قات آبادی - بنده در کمیسیون

تحقیق يك نکته بی‌ربط را عرض آقایان نمایندگان اعضای کمیسیون تحقیق رساندم که دلم نیکه در مجلس شورای ملی منعکس می‌شد و آن نکته این بود که اساساً در روز انتخابات یزد ابتدا با تحقیق وفق نمیدهد مطابق قاعده در ایران و در همه جای دنیا و در کشورهای مترقی وقتی می‌گویند انتخابات یعنی مردمی بگذارند و مردم استفاده بکنند و نظر خود را نسبت به کسیکه نماینده آنهاست ابراز بدارند (صراف زاده - مثل انتخابات شاهرود) بلکه قربان خدمت‌تان عرض کنم من بی‌نیازم متشکر میشوم از شما و آقای دکتر طاهری و آن آقایانی که از دکتر طاهری دفاع میکنند و باورای می‌دهند زحمت بکشند برای دو ساعت تشریف ببرید یزد و بروید شاهرود (یکی از نمایندگان - دو ساعت نشود رفت) دو ساعت در شاهرود توقف بکنید و جریان انتخابات آنجا را نه از اشرف از قصاب شاهرودی از بقال شاهرودی بپرسید. نمی‌گویم بروید باطبقه اشرف تماس بگیرد بروید از مردم، توده حقیقی شاهرود بپرسید آنوقت خود شما تصدیق خواهید فرمود که در شاهرود انتخابات آزاد بوده یا نبوده. برای اینکه انتخابات بشود لازم است وسایل انتخابات در اختیار مردم گذاشته شود وسایل انتخابات چیست؟ يك فرماندار باشرف يك رئیس شهربانی غیر مزدور، يك رئیس ژاندارمری آدم نکش، آنها پرونده يك جانی دعوت بکنند از آن کسانی که مورد اعتماد مردمند بنام انجمن نظار و آنها بنشینند و اعلام بکنند و مردم بگویند مردم باید برای بدید. حالا اگر اینطور نشده باشد، یعنی فرماندار سفارشی باشد، رئیس شهربانیم از دست پرورده‌های جناب آقای دکتر طاهری باشد، الان قرعه در قرعه هم قرعه در قرعه که چیست؟ اینها رفته باشند آنجا، از قدم اول يك آدم باوجدان می‌تواند بگوید مقدمات صحیحی برای انتخابات شده یا نشده؟ البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق می‌فرمائید از

مقدمه غلط نتیجه صحیح نمی‌توان گرفت.

رئیس شهربانی یزد که افتخار جلادی مردم یزد را داشته و افتخار اینرا داشته که خوب برای اینکه انتصابات آنجا صورت عمل بخودش بگیرد مردم را ترور کرده است که ۱۴ سال از قبل از شهر یوز و به‌انداز شهر یوز در ظل عنایت د کت طاهری بوده است و البته آقایان میدانند که هم بحسب ظاهر نخواهند اقرار کنند، باطناً اینرا میدانند که این انتصابات و اینالاز در شهرستانها روی چه مبنی و به چه جهت خاصی صورت می‌گرفته است. این مطلب را مردم می‌دانند خواه من یا آقایان بدانیم و بخواهیم اقرار کنیم بعلمان یا نخواهیم اقرار بکنیم. مسلماً درادوار نمایندگی آقای دکتر طاهری رئیس شهربانی یزد که از کلازتری بریاست شهربانی ارتقاء پیدا کرده رضایت جناب آقای دکتر طاهری را کامل فراموش میکند. آنوقت می‌آیند قرعه می‌کشند. این موضوع قرعه خیلی مورد حمله و باصطلاح اعتراض واقع شد و حال آنکه اگر از نظر وجدان بخواهیم راجع باصل این موضوع اولاً ما باید خیلی متأثر باشیم که چرا در مملکت ما کار به اینجاشا کشیده شده و من برای اینکه دماغمم لکه دار نشود بیایم با این محافظه کاریها متوسل شوم این خود ش از نظر مملکت قابل تأسف است. اما خود عمل قرعه‌ای که در این انتخابات بود خودش يك عمل محافظه کارانه بود. مثلاً آقای رئیس مجلس شورای ملی میخواهد سی تا وکیل پنجاه ساله از بین مثلاً پنجاه نفر انتخاب کند برای اینکه ثابت کند که من نظری ندارم و و کلاهی پنجاه ساله مجلس پنجاه نفر هستند از بین نام این پنجاه نفر پنجاه قرعه می‌کشند این يك مطلب خیلی بفرنجی نبوده است اما شرطش صحیح عمل کردنش است. من قبول دارم که اگر این قاعده و این موضوعی که برای اینکه لگنه‌های چسباننده نشود و بی‌نظری ثابت شود، بد عمل شود مثل انتخابات یزد میشود. قرعه می‌کشند رئیس شهربانی پرورده مکتب آقای دکتر طاهری سرهنگ شریفی از توی قرعه می‌آید بیرون، برای اینکه عرض کردم که رئیس ژاندارمری معما هم نبود. برای اینکه قرعه کشیدند و آقای سروان باقری صادقی فرمانده گروهان ژاندارمری نایب بقصد قرعه برای انتخابات یزد تعیین شد. بعد نفهمیدم چطور شد بدون اینکه دلیل موجهی اقامه شود این آقا را گذاشتند کنار، رفتند يك قرعه ثانوی دیگر برای آقای دکتر طاهری کشیدند، اینرا همین طوری نمی‌گویم این دلیلش توی این نامه است (صراف زاده - خواهش میکنم بخوانید) این توی پرونده هست رئیس ژاندارمری بحضور محترم من عرض کنم که چون خیلی مطلب دارم این نامه را الان نمی‌توانم در بیارم

يك نامه‌ایست که آقای سر لشکر و ثوبت رئیس ژاندارمری بوزارت کشور نوشته است که وزارت کشور چراقعه اولی را که کشیدند و سروان باقری صادقی درآمد آن قرعه را عمل نکرید و رفتید يك قرعه دیگر کشیدید و آقای سرگرد معیری را فرستاده‌اید. (صراف زاده - معیری رئیس ژاندارمری نبوده به، کی بود؟ (صراف زاده - سرهنگ کاشانی بود) آقای وکیل یزدند و نمی‌دانند که رئیس ژاندارمری یزد کی بوده است (فرامرزى - دلیل اینست که دخالت مبنی و به چه جهت خاصی صورت می‌گرفته است. این مطلب را مردم می‌دانند خواه من یا آقایان بدانیم و بخواهیم اقرار کنیم بعلمان یا نخواهیم اقرار بکنیم. مسلماً درادوار نمایندگی آقای دکتر طاهری رئیس شهربانی یزد که از کلازتری بریاست شهربانی ارتقاء پیدا کرده رضایت جناب آقای دکتر طاهری را کامل فراموش میکند. آنوقت می‌آیند قرعه می‌کشند. این موضوع قرعه خیلی مورد حمله و باصطلاح اعتراض واقع شد و حال آنکه اگر از نظر وجدان بخواهیم راجع باصل این موضوع اولاً ما باید خیلی متأثر باشیم که چرا در مملکت ما کار به اینجاشا کشیده شده و من برای اینکه دماغمم لکه دار نشود بیایم با این محافظه کاریها متوسل شوم این خود ش از نظر مملکت قابل تأسف است. اما خود عمل قرعه‌ای که در این انتخابات بود خودش يك عمل محافظه کارانه بود. مثلاً آقای رئیس مجلس شورای ملی میخواهد سی تا وکیل پنجاه ساله از بین مثلاً پنجاه نفر انتخاب کند برای اینکه ثابت کند که من نظری ندارم و و کلاهی پنجاه ساله مجلس پنجاه نفر هستند از بین نام این پنجاه نفر پنجاه قرعه می‌کشند این يك مطلب خیلی بفرنجی نبوده است اما شرطش صحیح عمل کردنش است. من قبول دارم که اگر این قاعده و این موضوعی که برای اینکه لگنه‌های چسباننده نشود و بی‌نظری ثابت شود، بد عمل شود مثل انتخابات یزد میشود. قرعه می‌کشند رئیس شهربانی پرورده مکتب آقای دکتر طاهری سرهنگ شریفی از توی قرعه می‌آید بیرون، برای اینکه عرض کردم که رئیس ژاندارمری معما هم نبود. برای اینکه قرعه کشیدند و آقای سروان باقری صادقی فرمانده گروهان ژاندارمری نایب بقصد قرعه برای انتخابات یزد تعیین شد. بعد نفهمیدم چطور شد بدون اینکه دلیل موجهی اقامه شود این آقا را گذاشتند کنار، رفتند يك قرعه ثانوی دیگر برای آقای دکتر طاهری کشیدند، اینرا همین طوری نمی‌گویم این دلیلش توی این نامه است (صراف زاده - خواهش میکنم بخوانید) این توی پرونده هست رئیس ژاندارمری بحضور محترم من عرض کنم که چون خیلی مطلب دارم این نامه را الان نمی‌توانم در بیارم

رئیس - بفرمائید آقا

قات آبادی - من منتظر بودم بیانات

آقای فرامرزى تمام بشود. با این ترتیب که عرض کردم رئیس ژاندارمری برای انجام انتخابات یزد تعیین میشود یعنی قرعه می‌کشند سروان باقری از توی قرعه در می‌آید و بدون هیچ دلیل و برهانی يك قرعه ثانوی میکشد برای این آقای سرگرد معیری که منکر وجود ایشان در یزد بودند، ایشان انتخاب می‌شوند (صراف زاده - عرض کردم رئیس ژاندارمری نبود) بدهم آقای سرلشکر و ثوبت که نامه‌اش همین توست بوزارت کشور يك نامه رسمی می‌نویسد که بموجب دستور به بخشید دستور نبوده، در این نامه نوشته بوزارت کشور که دستور دادم آقای سرگرد حسنعلی یا حسینعلی معیری برای ریاست ژاندارمری یزد دهسپار شوند و اما آقای فرماندار، آقایان محترم بالخصوص آقایان گرامی که سابقه مدت ندارم و و کلاهی پنجاه ساله مجلس پنجاه نفر هستند از بین نام این پنجاه نفر پنجاه قرعه می‌کشند این يك مطلب خیلی بفرنجی نبوده است اما شرطش صحیح عمل کردنش است. من قبول دارم که اگر این قاعده و این موضوعی که برای اینکه لگنه‌های چسباننده نشود و بی‌نظری ثابت شود، بد عمل شود مثل انتخابات یزد میشود. قرعه می‌کشند رئیس شهربانی پرورده مکتب آقای دکتر طاهری سرهنگ شریفی از توی قرعه می‌آید بیرون، برای اینکه عرض کردم که رئیس ژاندارمری معما هم نبود. برای اینکه قرعه کشیدند و آقای سروان باقری صادقی فرمانده گروهان ژاندارمری نایب بقصد قرعه برای انتخابات یزد تعیین شد. بعد نفهمیدم چطور شد بدون اینکه دلیل موجهی اقامه شود این آقا را گذاشتند کنار، رفتند يك قرعه ثانوی دیگر برای آقای دکتر طاهری کشیدند، اینرا همین طوری نمی‌گویم این دلیلش توی این نامه است (صراف زاده - خواهش میکنم بخوانید) این توی پرونده هست رئیس ژاندارمری بحضور محترم من عرض کنم که چون خیلی مطلب دارم این نامه را الان نمی‌توانم در بیارم

فرامرزى - محترم فرمودید خیال کردم منم

رئیس - آقای قنات آبادی بفرمائید.

قات آبادی - آقای رئیس شما که رویتان نمیشود به آقای فرامرزى بفرمائید ساکت باشد

رئیس - بشما باید بگویم بفرمائید برای ایشان يك بزغ (خنده نمایندگان)

فرامرزى - خودم يک راهم در اختیار ایشان بگذارید (زنك رئیس ...)

رئیس - این زنك تصنیف شد **قات آبادی** - فرماندار یزد به اختیار آقایان هست کسی است که بتوصیه شخص آقای دکتر طاهری بر رئیس کار - گزینش وزارت کشور و صورت دادن ۳ نفر بدست يك عمده خاصی لذا آمدند تشکیل

جلسه دادند شورای شهرستان درست کردند که ۱۰۸ نفر دعوت کنند که بقصد قرعه از بین این ۱۰۸ نفر ۳۶ نفر برای تشکیل انجمن نظارت انتخاب شوند البته آقایان میدانند شورای شهرستان یعنی جلسه‌ای که مرکب است از اکثر و اغلب وهمه رؤسای ادارات. به استناد این پرونده که در حضور آقایان است و آقایان عقیده‌شان است که پرونده انتخابات است و من مردم یزد عقیده داریم این پرونده پرونده انتصاب است آمدند شورای شهرستان را تشکیل بدهند ولی جاساتی که در سایر شهرهای دیگر تشکیل می‌شود تشکیل نشد و رؤسای ادارای هم دعوت و نکرند شش هفت تا از رؤسای ادارات بیشتر در این شورادعوت نداشتند (صراف زاده - این طور نیست) تمام در این پرونده هست (صراف زاده - استدعا میکنم یکی از اینها را که می‌فرمائید بیرون بیاورید و بخوانید) بنده این یادداشت‌ها را که ملاخطه میفرمائید تمام اینها را تکه تکه از این پرونده در آوردم حتی تصرف لفظی هم نکردم اگر يك جا نوشته‌است بود نوشته‌ام بود و شده نوشته‌ام یعنی عین عبارت را اینجا نقل کردم تصرف لفظی هم نکردم و نقل یعنی هم نکردم البته تصدیق میفرمائید که اگر من بخواهم تمام جریان این انتخابات را - لاجی کنم با این يك ساعت وقت نمیتوانم این اسناد را در بیارم و این يك ساعت به يك هزارم عرایضم نخواهد رسید اما برای اینکه خود حضرت عالی اطلاع حاصل بفرمائید که آنچه می‌گویم از روی پرونده عرض میکنم و روی هیچ نظری مطلبی را عرض نمی‌کنم و دروغ هم نمی‌گویم من این مدارک را که گفته‌ام در خارج بشخص شما نشان خواهم داد (صراف زاده - اگر نبود باید تشریف بیاورید اینجا و بگوئید نبود) این ۱۰۸ نفر بدون نظر شورای شهرستان انتخاب شدند حتی آن شورای شهرستانی که خود آقای فرماندار هم مایل بود تشکیل بدهند و عرض کردم که شورای شهرستان یعنی تمام رؤسای ادارات و شش هفت نفر را بیشتر دعوت نکردند و آقایان زمانن بازرس انتخابت بات یزد هم این گزارش داده‌است و این مطلب را تأیید کرده‌است که چند نفر از رؤسای ادارات در شورای شهرستان بوده‌اند و معین شورای شهرستان کوچک قلابی هم که تشکیل شده باز اطلاع از افراد ۱۰۸ نفر نداشته با استناد گزارش بازرس آقای فرماندار تا آخرین لحظه نه شورای شهرستان و بازرس اعزام هیچکدام نمیدانستند که این ۱۰۸ نفری که آقای فرماندار اعزام می‌دهند کیمت (صراف زاده - آقایان نمایان آن موقع بازرس نبود) مراجعه کنید به پرونده پس از آنکه ۱۰۸ نفر دعوت میشوند و استقرا هم به عمل می‌آید او هم این نکته‌ای را عرض کنم خدمت آقایان روزیکه بموجب امر کمیسیون تحقیق بنده

بکمیسیون تحقیق رفتم برای اینکه بیان کنم دلایل مخالفتم را با آقایان نمایندگان عضو کمیسیون تحقیق عرض کردم که اجازه بفرمائید من يك مطالعه‌ای در این پرونده بکنم من بطور اصول و از نظر کلی واقف بچریان انتخابات یزد ببخشید انتصابات یزد ولی از نظر آقایان باید از روی این پرونده صحبت کنم اجازه بفرمائید این پرونده را بینم و مطالعه کنم و يك مطلبی اگر آقایان محترم یادتان باشد آنجا عرض کردم یکی از آقایان گفت مگر تو غرض شخصی داری با آقای دکتر طاهری و شادهم فکر می‌کند که من تعاشی کنم بگویم که خیر من غرض شخصی ندارم من آنجا فقط کف غرض شخصی دارم اما معنای اینکه غرض شخصی دارم با ایشان چیست در مجلس شورای ملی عرض میکنم بنده و تیپ بنده با آقای دکتر طاهری و تیپ آقای دکتر طاهری غرض شخصی داریم اما چه جور غرض شخصی الان مثل میکنم محسوم میکنم اگر يك کسی بیاید منزل شما بکند بعضی از اشخاص منزل شما را غارت کند و ظلم کند خراب کند ویران کند آیا شما میتوانستید بآن کسی که کمک کرده‌است بمتجاوزی که آمده منزل شما خراب و ویران و اهلس را مریض و گرسنه و بدبخت و بیچاره کرده‌است نظر خوب داشته باشید؟ و غرض خوب داشته باشید نسبت باین شخص که هادی و کمک کننده به متجاوز بود میشود نظر خوب داشت؟ بنده عقیده‌ام این است و تیپ بنده هم همین عقیده را دارن و باین ترتیب جز غرض بدو غرض دشمنی چیز دیگری میشود داشت؟ بنده عقیده‌ام این است و تیپ من هم عقیده‌اش این است خواه قبول بکنند و خواه قبول نکنند خواه فحش بشنوم خواه حمله ببینم خواه صدمه ببینم هر چه باشد باشد از نظر من و آن تیبی که مثل من فکر میکنند این نکته مسلم است که آقای دکتر طاهری و تیپ دکتر طاهری در این مملکت از ۵۰ سال پیش تا امروز باعث خرابی این مملکت بوده‌اند هر تجاوزی که باین مملکت شده از این تیپ اشخاص است هنوز داخله این کشور يك فرد استعمار يك فرد انگلیسی نیامده این همه دوزو کلک و خیانت بچینده‌ها هست از قامت ناساز نارعتای کسانی است که متأسفانه شناسنامه ایرانی در اختیارشان است این عقیده من است و با این عقیده می‌بیم دوستان من رفقای من و حتی دشمنان من همه میدانند که من هر وقت ابراز عقیده کردم صریح گفتم الحمدلله خدا را هم شکر میکنم که سرم هم زیر بار هیچکس نیست زیر منت هیچکس نیستم آزاد آزاد هستم و حرفم را می‌گویم و از هیچکس هم باک ندارم اما من باد کت طاهری و تیپ دکتر طاهری غرض دارم چرا؟ چون ویران کننده وطن و دین و مملکت هستند (دکتر طاهری - خیلی متأسفم از این اشتباهی که فرموده‌اید) شما

آقای دکتر طاهری تجاهر العارف میفرمائید خودتان معنی عرایض بنده را بهتر درک می‌کنید آقای دکتر طاهری شما خودتان بهتر میدانید که در این مملکت هر کس که اسم د کت طاهری را بشنود از صمیم قلب نفرین میکند اگر هم باور نندارید من حاضرم الان از در بهارستان برویم بیرون دانه دانه از بقال که شوشوغطار ببریم که آقا نظر شما درباره د کت طاهری چیست هر کس مایل است من در اختیارت هستم ۴ ساعت ۳ روز پنجروز برای اینکه افلا با آن فرد ثابت بشود این عرض بنده که نظر افراد درباره آقای دکتر طاهری و تیپ دکتر طاهری چیست آقای دکتر طاهری مردم این مملکت نهضت کردند قیام کردند مبارزه کردند قربانی دادند فدائی دادند رنج کشیدند محسور رفتند تبعید شدند برای اینکه واقعاً حکومت استعمار را در این مملکت ریشه کن کنند (دکتر طاهری - من هم این کارها را کرده‌ام) آقا کوسه ورش پهن که نمیشود بنده که الان در مقابل شما حریوز اخوان و کاخ و بارک بیلانچی اینجا نیامده‌ام من از خلال مبارزات و فشارها و حبسها تبعیدها در بدریها و بدبختیها اینجا آمده‌ام و دارم باشما صحبت میکنم اگر مردم ایران تا بجا روی رود بایستی روی رفاقت روی خجالت يك گذشت‌های در يك مکان‌هایی کردند دیگر مردم ایران گذشت نخواهند کرد مردم ایران میخواهند بشما در مرحله اول مجرمانه بگویند دیگر حکومت کردن پس است کنار يك مدتی هم توی این مملکت بگذارید بقالها حکومت کنند يك مدتی هم گذارید توی این مملکت شلات خوردن ها حکومت کنند کجا آیه نازل شده که توی این مملکت همیشه د کت طاهری از یزد وکیل بشود که من بفرس قاطع می‌بوانم قسم یاد کنم جرأت ندارد یزد برود کی گفته‌است آنجا وکیل بشود؟ (دکتر طاهری - این حرفها چیست، نصف یزد فامیل من هستند) بخود فامیلان هم مراجعه کنید این عقیده بنده را دارند. این عوامل سه گانه یعنی فرماندار و رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری بعد از اینکه بوسیله استادشان آقای فرماندار این ۱۰۸ نفر بخصوص را دعوت کردند مردم یزد قیام کردند مردم یزد اعتراض کردند و همانطوریکه جناب آقای حائری زاده فرمودند گفتند اینها سابقه صندوقسازی دارند ما حاضر نیستم اینها را بعنوان طبقات ششگانه دعوت کنیم که بیایند باز صندوقسازی کنند من عقیده‌ام این است که آقای دکتر طاهری اخیرین دوره است که صندوقسازی میکنند و وقت می‌خواهند مطالب را بگویم. این کار تمام شود.

رئیس - می‌کنیم

حائری زاده - من حرف تمام نشده

و بعضی از آقایان دیگر شامدها صفحها روزنامه‌های تان مامو است از مدح و ستایش جنبش مردم ایران بر علیه عمل بیگانه و بر علیه استعمار و بر علیه انکساستان و فلان اینها بکار می‌آورند که شامدها در آید آمده اند گفته اند ما می‌خواهیم دیگر با کسیها معامله کنیم می‌خواهیم دیگر با کسیها نفی بفرشیم همین مردم بگردد دنان را بدهد و منزل را تعاقب کردند گفته آقای فرماندار آقای رئیس زاندار میری ما این ۱۰۸ نفری که تودعوت کردی برای اینکه ۳۶ نفر انتخاب بشوند از میان اینها باید فرجه ما اینها را قبول ندارم آخر ۱۰۸ نفر از طبقات دشمنانه و معتدین معتدین کی باید باشند یا به معتدین مردم باشند یا معتد آقای فرماندار با مردم یا مورد اعتماد آقای رئیس زاندار میری باشند؟ اگر معتد مردم بوده اند من عرضی ندارم عرض بنده نایب میشود که انتصابات بوده است نه انتصابات اگر اینها مورد اعتماد مردم نبیند و واجد شرایطی نیستند که آن شرایط در نظر مردم محترم است یعنی مردم آمدند گفتند این ۱۰۸ نفر ما را می‌بیندند و میخواستند آنجا انتخابات بکنند مسلماً باین حرف ترتیب اثر میدادند (فرامرزی - پس آقای دکتر طاهری صد و هشت نفر داشتند آنجا) صد و هشت نفر از مردم من عرض کردم ۱۰۸ نفر ما را می‌بیندند و میخواستند آنجا انتخابات بکنند اما اگر مال مردم است من عرض کردم مردمش اعتراض دارند پس از اعتراض مردم و شکایاتی که بظهران و سایر مقامات شد گوش بفرمود مردم ندادند جوابی هم بشکایات مردم ندادند بنده خودم بگردد رتقم خدمت - جناب آقای دکتر مصدق يك شكایاتی رسیده بود گفتیم آقایان شکایات رسیده ایشان فرمودند که من مأمورین را توانستم عرض کنم همان مطلبی که شب عبد بیان کردند آقا ماهیت اشخاص را نمیتوانم عوض کنم گتم این را هر کس قبول دارد این دلیل و برهان میخواهد بعث هم نمیشود خود من هم یکی از این مردم هستم اما يك مطلبی هست و آن این است که حد اول بشکایات مردم جواب بدهید بحضورتان عرض کنم هر چه شکایات شد ترتیب اثر داده شد مردم گفتند خوب آزادی است باید برویم و بصورت يك تظاهر و يك متینك عدم رضایت خودمان را از این وضع بسمع اولیای امور برسانیم لذا آقای دکتر مصدق که بنده شخصاً ایشان را نمی‌شناسم و هنوز هم ایشان را زیارت نکرده‌ام ایشان از شهر بانی اجازه میخواهند که يك متینكی بر گزار کنند مطابق آیین نامه‌ای که خودشان وضع کرده اند آخرین شهر بانی هر چه دلش میخواهد بکنند بکنند آنها يك ملکیتی هستند مستقل خود می‌گیرند خود حبس میکند خودش هم ول

میکند روی گفته خودش يك مطلبی را بشما بگویم چون این بس هاسر ما سر ما گذاشته اند در خلال این پنجساله خیلی اذیت کردند در هر دولتی هر دولتی باشد این شهر بانی - خودش يك ملکیتی است مستقل و بحرف هیکس هم گوش نمیکند و هر کاری داش خواست میکند حالا قبول و بعدند از در گمان می‌کنند در دولتهای آینده هم همینطور باشد تا يك صفحه جایی شود همینطور است اجازه گرفتند از شهر بانی که سه روز بعد نمیدانم جمعه چهارم همین يك متینكی بدهند بکنند ای هست من با آقایان عرض میکنم اولاً من افتخارم این است که در دامن يك پدر و مادر متمدن بیورش پیدا کرده‌ام (فرامرزی - ما هم همینطور بودیم) اثبات شیئی نفی ما عدا نمیکند جناب آقای فرامرزی خواستم يك مطلبی را عرض کنم که در روز يك تصب خاصی از نظر مبارزه با بشوئيك وجود دارد من يك عنصری هستم که اصلاً روی منطقی و دلیل و برهان نسبی نتوانستم قبول کنم که در يك ملکیتی که در زیر لوی امام زمان زندگی میکنند بشوئيكی شود خیلی خوب مبارزه کرده‌ام و میکنم و هر چه هم میشود بشود هر چه هم میخواهند بگویند و معتقدم هستم که این بشوئيك بازی و جناح چپ و انقلابی و اینها هم همه‌اش از مصنوعات و مملووقات شرکت سابق است که اینها هم بکار ایشان را هم در این دوره دیدیم (میراشرفی - از آقای زیر گزارده‌ام تصدیق بخواهید ارجاع بآنهم بعد توضیح عرض میکنم واقعه بعد از ۱۱ بهمن که بشاهم ملکت نا جوانمردانه سو قصد شد بهانه افتاد بدست آن شهر بانی - جی‌ها که انتقام از اشخاص مخصوصی بکشند يك عده‌ای را تا توانستند بعنوان کمونیستی اذیت کردند يك عده‌ای را که نمیشد روی مقتضیات زمان و ماده ۵ و ۶ و این موادی که خودشان اختراع کرده اند تعقیب کردند و این مطلب تا حالا هم باینده تا الان که من در اینجا در مقابل آقایان ایستاده‌ام این مطلب حکومت دارد در برابر بخواهد شهر بانی مردم را ترور کند متوسل باین حربه کمونیستی و حزب منحلّه توده میشود و حال آنکه بعقیده سازی بگردن آقای دکتراطهری و امثال ایشان است (حائریزاده - صحیح است) و در مرحله دوم هم بگردن این شهر بانی هاست گناهکار اول آقایان گناهکار دوم شهر بانی که باید امن و امنیت و حقوق و همه چیز مردم را حفظ کنند و متأسفانه در این کشور خراب شده برای خلافت وضع شده اند شهر بانی همینطور زاندار میری همینطور بنده يك سند زنده‌ای هم دارم که بعداً عرض میکنم آمدند و بعد از اینکه دکترو شد را گمان نمیکند خود آقای دکتراطهری هم عقیده داشته

باشند که دکترو شد کمونیست است عقیده دارم؟ آقای ملک خواهش میکنم این عرض بنده را با ایشان حالی کنید آقای دکترو شد کمونیست که نیست اجازه گرفتند که بیایند در مسجد جمعی برای مردم سخنرانی کنند (دکتراطهری - توده‌ای‌ها می‌خواستند بیایند) اجازه بدهید دکترو شد که نیست (دکترو - طاهری - عباس استادان بود او هم با آنها همراست) عرض کردم که فوراً يك لکمه می‌چسباند و کمونیست میکنند مردم را ایشان فرمودند که دکترو شد با کمونیست ها همراست است (حائریزاده - هر کس مخالف ظلم است فوراً يك لکمه رویش می‌گذاردند) بعد از اینکه اجازه گرفته میشود شهر بانی می‌بیند اگر مردم در مصلی جمع بشوند و حرف خودشان را نا طلقین بیانند بگویند تمام توطئه‌هایی که آقایان کرده اند فاش می‌شود و مردم هم ممکن است در اثر حقایقی که درک می‌کنند جدبشان زیاد بشود لذا می‌آیند می‌گویند که نه ما اجازه نمیدهیم این متینكی برایشاد می‌گویند اصلاً فلان ما از کور و کی دم نداشت اجازه‌ای هم ندادیم و نباید اصلاً این اجتماع بشود آقایان سران شهر بانی هستند يك شخص دیگری است از قصابها و جلادها و واقعه مصلازی یزد بنام استوار رجائی این دو بزرگوار از صبح چهارم بهمن ۳۰ مأموریت داشتند که اساساً مقدمات کار را فراهم کنند که متینك را بهم بزنند و در ضمن مردم یزد را بترسانند با يك تیر دوشان زند هم نگذارند مردم حقایق را درک کنند و هم مردم یزد را بترسانند اولاً ژاندارها را که در شهر ستانهای توی شهر مد شده که برای حفظ انتظامات کمک می‌گیرند در ضمن اینها با ستاد گزارش بازرسهای انتخابات که آنهم باز توی این پرونده هست از روی تلگرافی که در این پرونده میگویم اینها به بستگان خودشان میگویند نروید ممکن است حوادث ناگوار رخ دهد البته این کار در شهر بانی مرسوم است عادت تش است ما هروقت که میخواستیم متینك بدهیم حتی بعد از ملی شدن نفت روی موضوع خلع بد هروقت ما اعلام میکردیم که ما می‌خواهیم از فلانجا که خود شهر بانی هم تعیین کرد متینك بدهیم انواع و اقسام شایعه‌ها بین مردم منتشر میشد و منشأ هم بطوریکه ما اطلاع داشتیم خود شهر بانی بود عصر هم بکعه از افراد ژاندار میری که مأمور انتظامات بودند اینها را مأمور میکنند که برون با مصلاط تیر اندازی کنند اینهم مطابق گزارش بازرس هاست این آقای عباس استادان که آقایان فرمودند ایشان و يك عده دیگر بلند گوئی آوردند آنجا برون نصب کنند این مقدمات واقعه مصلاط این سران کاملی میروند پای آن شخص را مطابق گزارش خود شهر بانی

می‌گیرد میکنند یائین میگویند که بنا نبوده بروی بالا سخنرانی بکنی میگویند که من سخنرانی نمی‌کنم سرهنگ رستگار که بازرس اعزامی ازمرکز بوده این مطلب را تأیید می‌کند در پرونده، می‌کشدش یائین و بعد يك سرباز وظیفه می‌گوید این را بزین تیر و این سرباز وظیفه میگوید من دستوری برای تیر اندازی ندارم و آن سران کاملی سرباز وظیفه را با تیره میزند و جابجا او میبرد و دستور تیر اندازی میدهند تیرهایی که مردم خورده آخر اینجا خیلی تیر اندازی شده است چندین مرتبه پشت همین نرده‌های آهنی بهارستان انشاء الله جای آقایان هم خالی نباشد بخود ما تیر انداخته اند اما اینجا غالباً اظهار لطف میفرمودند تیرهارا پورا میزدند و بعد که آقایان یکخورده عصبانی میشدند بعد از ۴ و ۵ دقیقه میگفتند سرتنگ را یائین تر بگیرند تا بوزات سرویسو صورت مردم بزنید مردم اما در یزد از همان اول تیر اندازی بمردم میشود که از همان اول میزند مردم در تمام آثار تیرهایی که در مسجد مصلازی یزد بچامانده است تمام آنها درك متر و نیمه و دو متری است یعنی اگر آقایان تشریف ببرند به مسجد مصلی و ببخواهند از روی این آثار قضاوت بکنند که این تیرهارا برای متفرق کردن رو به رو بوده یا برای کشتار مردم و جدائماً مجبورید قضاوت کنید که این تیرهارا برای کشتار مردم بکار برده‌اند چون جای گلوله‌ها در يك مترو نیمه دو متری است مردم را می‌کشند پندشان را بعضی‌ها را مشك میکنند یعنی سوراخ سوراخ و گلوله باران میکنند این عکسی است عکس يك بدن مشكی است که مدیران جراید یزد بعد از آنکه این شخص جان بجان آفرین تسلیم کرد و بدش را سوراخ سوراخ کرده‌اند این عکس را گراور کرده اند برای اینکه تقدیم محضر آقایان نمایندگان بکنند برای اینکه آقایان نمایندگان را متوجه بکنند که بداند کسی که دعوی وکالت مردم یزد را دارد بقیمت بتم کردن چه می‌کند و حق را بدهد از ملی شدن نفت روی موضوع خلع بد هروقت ما اعلام میکردیم که ما می‌خواهیم از فلانجا که خود شهر بانی هم تعیین کرد متینك بدهیم انواع و اقسام شایعه‌ها بین مردم منتشر میشد و منشأ هم بطوریکه ما اطلاع داشتیم خود شهر بانی بود عصر هم بکعه از افراد ژاندار میری که مأمور انتظامات بودند اینها را مأمور میکنند که برون با مصلاط تیر اندازی کنند اینهم مطابق گزارش بازرس هاست این آقای عباس استادان که آقایان فرمودند ایشان و يك عده دیگر بلند گوئی آوردند آنجا برون نصب کنند این مقدمات واقعه مصلاط این سران کاملی میروند پای آن شخص را مطابق گزارش خود شهر بانی

آقایانی که بنام مأمور فوق العاده از طهران آمده اند بیانند تمام جنایات و آدم کشی‌ها را امضاء کنند مخالفین شما که بودند مخالفین شما مردم شهر یزد بودند که شما جواب حرف حسابی آنها را گلوله دادید (صرافزاده - جوابش عرض میشود آقای قنات آبادی) بنده که عرض نکردم آقایان جواب ندهند بنده نخواستم نفی جواب از آقایان بکنم (دکتراطهری - برخلاف حقیقت است تکذیب میشود اشتباه کرده‌اید) تکذیب میکنید تکذیب کار متداول هیئت حا که است آقا شایع حرف نوی نمیزید پنجاه سال است توی این ماصکت هیئت حا که این کار را کرده اند و وقتی هم مردم اعتراض کرده اند يك کلمه جواب گفته اند تکذیب میکنم (دکتراطهری - هیئت حا که شما هستید) تخیر شما هستید اشتباه میکنید بنده از آن طبقه محکومه ای هستم که از خدا توفیق و قدرت می‌خواهم که بر علیه شما هیئت حا که جلاد مبارزه کنم (دکترو طاهری - انشاء الله موفق باشید) یکی از مطالبی که خیلی عجب بود در ترور و کشتار را بگلوله می‌بندند بدن‌ها را مشك میکنند و بچه‌ها را یتیم میکنند آقای فرماندار در ملا با گلوله می‌بندند بدن‌ها را مشك میکنند متر فرمانداری خودشان نشسته اند بازرس های انتخاباتی یزد آقای زمانیان و دونفر دیگر اینها می‌آیند از آقای فرماندار و رئیس شهر بانی سؤال میکنند که آقا قضیه چه بوده چه شده می‌گویند ما اطلاعی نداریم خود آقایان محترم میدانند که کوچکترین واقعه‌ای که در شهر بوقوع می‌یوندد بلا فاصله بعد از یکساعت هر چه دستگاهشان کند کار کند فرماندار اطلاع پیدا میکند رئیس شهر بانی موظف است که اطلاع پیدا کنند میگویند ما اطلاعی نداریم می پرسند آقا چند نفر کشته شدند ما اطلاع نداریم کی زخمی شده است ما اطلاع نداریم چرا؟ برای اینکه میخواستند آن خون های ناحقی که ریخته شده آنر نمی‌را که داشته اند بر کوع میرفتند نماز می خوانده بگلوله بسته اند و بچه‌هایش را یتیم کرده اند این جنایات هم مثل سایر جنایات داهی که هیئت حا که باندان توی این مملکت کرده اند میخواستند این را هم کان لم یکن کنند بارها مجاهدین اسلام با زبان روزه شمیر هم میکشیدند جناب آقای فرامرزی تاریخ تشکیل داده اند و جمعیتشان هم قابل توجه است اگر آقای دکتراطهری خبر ندارند عرض کنم که اطلاع داشته باشند اما توده‌ای هم نیستند بشرطی که شما بگذارید این دو دسته در ظهران از جریان انتخابات یزد شکایت میکنند این پرونده هم اینجا وجود اردنی

شهر بانی و فرمانداران اصلاً واقعه صلوات آن کشتار مردم را کان لم یکن فرض کرده اند نتیجه واقعه کشتار مصلا این شد که مرکز خیلی لطف فرمود خیلی عنایت فرمود و گفت فعلاً انتصابات بزد توفیق باشد (بعضی از نمایندگان - آقا مرکز کی بود؟) اجازه بدهید الان عرض میکنم عقیده شخص بنده این است (میراشرفی - مرکز کی بود غیر از دولت بود؟) الان عرض می‌کنم عقیده شخص بنده این است که هیئت حا که (میراشرفی - چون شما آدم منصفی هستید می‌خواهم بگویم) عقیده شخص بنده این است که هیئت حا که دست بتر کبیش نخورده فقط فشار ملت بتحمل ملت باراده ملت مصدق باین هیئت حا که تحمیل شده برای ادامه باین مبارزه مقدس و این نهضت مقدس و گرنه هیئت حا که با همان شرایط با همان اسکت و با همان اخلاق و عادات مانده اند (میراشرفی - آقای دکتر مصدق برخلاف شما معتقدند که هیچکسی مداخله در انتخابات نداشته اند) شما عقیده بنده را خواستید جناب آقای میراشرفی عقیده بنده را پرسیدید عرض کردم و اتفاقاً آقای دکتر مصدق هم همین عرض بنده را در خلال بیان نشان و همان نظقی که کردند تصدیق کردند خودشان هم فریاد و اغراییشان در هیئت حا که در خلال نطق ایشان در خلال بیاناتی که کردند بلند بوده برای اینکه آقایان يك خورده خستگی شان رفع بشود یکی از مطالبی که خیلی خیلی قابل توجه است و در عین حال قابل دقت است عرض می‌کنم و آن این است که در شهر تهران طبق رسوم و معمول اهالی هر شهری يك اتحادیه محلی دارند اتحادیه خونسارها، میدانم جمعیت فلان، جمعیت فلان جمعیتی هم هست در تهران بنام جمعیت یزیدیهای مقیم مرکز که آقای دکتر طاهری از ما همش خوب اطلاع دارند یعنی خوب میدانند چون ایشان خودشانند و یکی دونفر دیگر و آن جمعیت یزیدیهای مقیم مرکز آقای دکتراطهری هستند دکترو صحت مقیم مرکز البته اینها دارای مقامات و مناصب عالیه کامله نیستند اینها مثلا فلان یزیدی آمده اینجا شاگرد قصابی میکند در بازار اینجا فکری میکند که می‌تواند در طهران يك خدماتی بکنند يك قدم هائی بردارند يك جمعیتی بنام جوانان یزیدی مقیم مرکز تشکیل داده اند و جمعیتشان هم قابل توجه است اگر آقای دکتراطهری خبر ندارند عرض کنم که اطلاع داشته باشند اما توده‌ای هم نیستند بشرطی که شما بگذارید این دو دسته در ظهران از جریان انتخابات یزد شکایت میکنند این پرونده هم اینجا وجود اردنی

دائم این وزارت کشور چیست که هر چه که جمعیت یزیدیهای مقیم مرکز شکایت میکنند بلافاصله ترتیبش را داده می‌شود و هر چه که این جمعیت جوانان یزیدی مقیم مرکز یعنی مردم آنجا ملت آنجا آن کسانی که ما می‌خواهیم بگوئیم نماینده آنجا هستند هر چه آنها شکایت می‌کنند با آنها ترتیبش داده نمیشود یکی از شکایات ها که این جمعیت یزیدی مقیم مرکز ۰۰۰ چون آقایان خیلی کسل شده اند یعنی حق هم دارند خسته شده اند آدم سه ساعت بنشیند آقای ذوالفقاری هم معلوم می‌شود خسته شده اند هی بنشینند و از این حرف‌های کسل کننده بشنود آقا من بشما می‌گویم خدارا بشفادت می‌طلبم که صحیح است که آقایان کسل می‌شوند ناراحت میشوند من هم تصدیق می‌کنم اما باور بفرمائید مردم محروم خوشحال میشوند افلا این دل خوشی برایشان باقی می‌ماند که این کلمات باینصورت بنام مخالفت با اعتبارنامه انتصابات یزد از پشت تربیون مجلس شورای ملی گفته شود یکی از شکایتهائی که جمعیت یزیدی های مقیم مرکز کرده است و بلافاصله ترتیب اثر بهش داده اند این است يك آقای را در اول قرعه کشی برای یزد بنام رازبان مأمور انتخابات یزد می‌کنند باینکه دیگر اینها میروند خدمت آقای دکترو مصدق آقای دکترو مصدق نصیحت میکنند پند میدهند مطالبی بایشان میگویند همان حرف‌هاییکه بیازرس‌ها میگفتند ... رئیس - آقای قنات آبادی شش دقیقه دیگر وقت دارید.

قنات آبادی - آنمقداری که آقای دکترو طاهری و آقای صرافزاده وقت بنده را تلف کردند بحساب آوردید؟

رئیس - بفرمائید

قنات آبادی - عرض اینک این نکته را عرض کنم حالا آنقدر که آقای حائریزاده بلد هستند وقت بخواهند من بلد نیستم و هر چه در وقت باشد حرف می‌زنم بعد چون ما دوتا يكساعت دیگر صحبت میکنیم البته نه از نظر شخصی آقایان من آقای صرافزاده و آقای جلیلی را تا بجال ندیده بودم در عزم کار آقایان ندارم نمی‌دانم خوبند یا بدند و علت اینک روی هر سه آقایان صحبت میکنم و علت اینست که جبریان انتصابات یزد دارم عرض کنم این آقایان بازرس های اعزامی تشریف میبرند خدمت آقای دکترو مصدق می‌آیند بیرون يك آقا هست بنام امینی در خود پروند، موجود است این آقای امینی که الان هم بازرس نخست وزیری است و يك وقتی هم رئیس دفتر وزارت دادگستری بوده این آقای آید باین آقای رازبان میگویند که آقای دکترو

(آقای دکتر مصباح زاده مغیر شعبه پنجم گزارش انتخابات بلوچستان و نمایندگان آقای ریگی را بشرح زیر قرائت نمودند) پرونده انتخابات ایران شهر (بلوچستان) ساکی است که در تاریخ ۵ بهمن ۳۳۰ از طرف بهشدار از ۷۲ نفر معتمدین محل و طبقات ششگانه دعوت بعمل آمده (چون ۱۰۸ نفر باسواد در حوزه انتخابیه مذکور بوده از ۷۲ نفر دعوت بعمل آمده) و پس از تعیین ۳۶ نفر و انتخاب اعضاء اصلی و عدلی البدل از بین آنها و انتشار آگهی انتخاباتی و تعیین شعب فرعی از تاریخ ۲۶ بهمن لغایت ۳۰ بهمن ۳۳۰ جهت توزیع تعرفه و اخذ رأی تعیین گردیده و مجموعاً

۱۱۹۲۴ تعرفه توزیع گردید پس از استخراج آراء در نتیجه آقای مراد ریگی با اکثریت ۷۴۹۰ رأی از حوزه انتخابیه ایران شهر بنمایندگی هفدهمین دوره تقنینیه انتخاب شده اند. از طرف انجمن مرکزی يك هفته جهت وصول شکایات اعلام و در مدت مزبور شکایاتی بدفتر انجمن رسیده که چون انجمن شکایات رسیده را غیر وارد تشخیص میدهد در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۳۱ اعتبارنامه بنام آقای مراد ریگی صادر و انحلال خود را اعلام مینماید پرونده مزبور شعبه اول ارجاع و چون شعبه نتوانست در ظرف ده روز مقرر گزارش خود را به مجلس بدهد پرونده شعبه پنجم ارجاع و شعبه پس

از رسیدگی بمحتویات آن وتوجه بشکایات رسیده بمجلس شورای ملی صحت انتخابات حوزه بلوچستان و نمایندگان آقای مراد ریگی را تأیید و اینک گزارش آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

فرامرزی - آقا این اصلاح الحاق قابل طرح نیست

قنات آبادی - آقایانی که پارلمانتر

هستند میگویند قابل طرح نیست

آقای نبوی هم مخالفند

رئیس - من از آنها پارلمانترم. آن

جزء بعدش را نگفتم.

آقای حائری زاده مخالفید با این پرونده

مخالفید؟

فرامرزی - اصلاً این قابل طرح

نیست آقا

ناصر ذوالفقاری - اکثریت برای

رأی نیست، شما چطور این را طرح

میکنید؟

(۵) - تعیین موقع و دستور

جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - میماند برای جلسه آینده

بعد از رأی، جلسه آینده روز پنجشنبه؛

تیر و دستور اول رأی بنمایندگی آقای دکتر

طاهری و بعد سایر اعتبارنامهها

(مجلس دوساعت و ۲۰ دقیقه بعد از

ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **اورنگ**